

دو برف کرده سیاه را فریب میدهند ، تجویز که ربع ایران بود رفت ، خراسان شروع برقتن کرده ، اصفهان را رفته باید داشت ، شیراز بر آشوب ، شوارح و طرق نا امن ، کافه ها را هزار هزار میزنند ، فردا که رفها آب و راه ها باز شد سرماز و قزاق هم که دیگر مجلس و خانه وانجمن و مدرسه ندارند مانند اصفهان بازارها را خراب و قارت خواهند کرد و خواهند ریخت بجان مردم ، جناب امیر بهادر خنک وارشد الهوله هم که سرشان در سفارتخانه روس گرم است مردم چه کنند هیچ راه چاره ندارند مگر آنکه متوسل بدعای امام شایه و سلطان الجبلا و ملا سیه رسم آبادی و کور موصلی و شیخ فضل الله و میرزا فلان قی شود ،

وقتی یک نفر هم سخنان قلب میکرد و میخواهد چند گله درد دل کند یا وقایع نگاری نماید بخادیم مکرم می گویند برخلاف ادب چیز نوشته ، تاره باید برویم قائم مقام و میرزا مهدیخان را از قبر بیرون بیاوریم تا بجهت ما مردم با نیت مسجع و منفی مطلب بنویسد ، یا میرزا رضای همدانی را از عالم جبروت یا برهوت و دهرت و ذکروت زده کنیم تا بیاید مزخرف بیابد برای اینکه مذاق سفاکان و قتال مسلمین شیرین بیاید ، گویا خیال می کنند اینخصایک طرف خطاب ما هستند مردمان باشری میبایند که اشاره و کنایه بنهند ، اگر صبر بود کریم ، اگر مظلولیت بود بخرج دادیم ، نتیجه همایش مجلس مکوفی است که بخیرات پدرشان باسرحت فرموده اند ، من بعد رسم چیز نویسی ما همین است ، هر کس مسواهد هرچه پول داده پس نگردد .

ای بی شرف مردم ، ای بی حس مردم ، ای بی غیرت مردم ، صبر تا چند ، ازجهت اسپانی که امروزه دست و پای مردم را بسته یکی سد عاری اخبار ولایات است که کذباً و تلکرافاً مخلوع ارشدین اخبار گردیده اند و چنین کان می کنند که سایر ولایات ایران هم مانند طهران بی صداست ، این کان است باطل ، خبر بلوای خراسان رای احراء احکام لازم لاتباع حجج اسلامیه عقیاب در تمام کره زمین منتشر است ، و بطت سد اخبار مردم کان می کنند که خبری نیست ، یا اگر حزن خبری بوده مجرد توپ بستن رکن الهوله محکم ، شیر السلطنه و امیر بهادر به گنبد و همین حرم محترم حضرت نا امن

الافه و خراب شدن چند لحشت از گنبد طلا و کلدت و روان نادری مولوف شده ، دیگر نمیدانند که همین حرکت سبب تژاید هیجان گردیده و از اطراف و معات حضرن زن و مرد با چوب و چاق و آلات دافع بنهر ریخته اند و محشری برپاست که ما فوق ندارد ، ایها نا مسلمان مردم ، در تمام ایران ملجأ و معبد شیعیان ملحصر مابین آستان بود آن را باین قسم خنک احترام نمودند و درست باطن خود را طاهر ساختند ، و معلوم دانستند که تمام زحمانشان در راه دین و ترویج شریعت بوده ، مسلمانان را بملوان مفسدت کشند صبر کردند ، حجج اسلام را اسیر و در بدر کردند تحمل نمودید ، مجلس شورای ملی را که اول اسباب حیات و نجات ملت بود خراب کردند ، از ترس چند نفر قزاق قس نکشیدید ، مرحوم حاجی را که اول مقتدای دین شما بود مسموم و شهید ساختند شلیدید و بملاحظه حفظ حیات کتیف خود سر زیر لحاف برده دم زدید ، با وجود این حرکت شلیخ نسبت باستانه امام هتم شما که از دست چنگیز و اقاچه و سایر خونخواران سر زده هنوز ایستاده نماند یکدیگر می کشید ، گرم غیرت وطنی مانند جوانان آذربایجان که در راه حفظ وطن در خون خود دست و پا میزنند ندارند ، آخر نصب دینی شما کجا رفت ، همدام فردای قیامت حوای پیغمبر را چه میدهند و این سنگ را در نزد یهود و نصاری و مجوس بر خود چگونه هموار می کنید ، صبر تا چند ، مانند رنار در حانه نشستن و دم فرو بستن آکی ، اجراً بدانید که امروزه تمام ولایات ایران غیر از طهران بر از آشوب است ، حال آذربایجان و خراسان را هم میدانند استرآباد و اصفهان و اسلام و گرگان رود و رشت و طارندران نیز مردانه حرکت کرده و تحت سلاح وقت اند ، صدای قارس هم عنقریب بلند میشود ، واقم باقی این اغتفانات نتایج و حلیه دارد تا وقت باقی است حتی کتید و خود را نجات دهید

مکتوب جمعیت اتحاد و ترقی

ایرانیان اسلامبول به مسیو کوش معلم

والسته شرقیه در قلیس

معروض میدارد درین گرفتاری سه ساله و ابتدای

طاقت فرسای روزنامه‌های آزادی خواه اشخاص عدالت پرست ملت نجیب روس خلیل از ما همراهی کردند و همفرواری نمودند

بویزه آنجناب که از قرار مسموع بقول و قلم در مجامع و جراید چیزی فروگذار نگردید و حق رعایت نوع را بجا آوردید، نیکی‌های آن گروه را هموماً و توجهات طالبه آن وجود محترم را خصوصاً ملت مصیبت زده ایران هرگز فراموش نخواهد بود. و هر وقت محیط خود را از یک ملت مستبدین پاک و ساف کرد، مدیون است که لازمه شکران و قدر شناسی را چنانچه باید بجا بیاورد

چون انجمن ما ترجمان حسیات عموم موطنان داخله است هجائاً بدین چند سطر عرض تشکر و امتنان عظیم نموده و خواهش مندیم که این معنی را بدان زبان و بیان بلایی که دارند بگوش تمام برادران روسی ما برسانند و حضور هم را از روزگار اسیران زنجیر استبداد که مستحق هرگونه رافت و مرحمتند مستحضر فرمایند

صرف نظر از حقوق مساوی و روابط تجاری البته معلوم است که بمقتضای مجلسی اظهارات صمیمانه فوق مقبول و مظهر توجه عمومی خواهد شد

عزت آنجناب و سعادت ملت قویم روس را در زیر درفش حریت و عدالت از درگاه پروردگار بزرگ مسئلت مینمایم و دعا میکنیم. زنده باد آزادی، نابود باد استبداد (جمیعت اتحاد و ترقی ایرانیان)

نقل از ناله وطن منطبقه تبریز

نگارش یکی از ارباب

خبرت از طهران

مرگام از حال دوستان بخوانید رو بهم رفته بریشان و منزول هستند و جفا من الوجوه کلوشان پیش رفت نداشته تمامی تدابیر شان سوء تدبیر شده نتیجه دلخواه نمیدهد، از استمداد عاجزاند، از بول مطلق، ناک اندر ناک مابین پاس و امید هستند.

امروزها مابین استبداد از خود بسیار خوف و ترسان و هراسان است همه کس را بحضور قبول میکنند و آنها را که بجزایر میکنند در سه جا باید بلیط نشان

بدهند بسمه خاص الحاح خود هم اعتنا ندارد و سخت متوحش است، چندانکه به یکتفر فنی از مقررات که همه حرمخانه است قناعت کرده که او بقدر امکانات در شهر گردش کرده و راپورت میدهد.

حید خان سیدالملک مراغه را که بعد از فرار از ساوجبلاغ ملقب بشجاع الدوله شده بحکومت مرافقه نامزد کردند که آمده در آنصفحات مشغول جمع آوری سوار و سد طرق و شوارع و راه آذوقه شود اغتشاش و بلوای طرسان بنصرف اسلحه و مهمات و فرار کشیده، استرآباد حکفا، حال ازل و طالش هم که معلوم است.

و از سایر نقاط متصل خبر اغتشاش میرسد و حال دولت را متقلب می سازد.

فراریان تبریز که آمده اند از میرهاشم گرفته تا اجاسر و اوباش میخواهند تقصیر را بگردن عین الدوله پلندازند و خودشان را تطهیر بکنند، مشیرالسلطنه و امیر بهادر سی دارند که عین الدوله در جای خود بماند زیرا که اگر بطهران بیاید کار اینها متزلزل خواهد شد و در این دو منفعت را ملاحظه کرده اند، یکی اینکه تا عین الدوله در قرب تبریز است و فی در پیش ملت نخواهد داشت و بلکه بکلی ضایع و خراب خواهد شد دیگر اینکه اگر طهران باشد سداوت را صاحب خواهد شد و اکنون در تبریز مجبور است در نعت اطاعت فرمان مشیرالسلطنه و امیر بهادر که بمنزله نوکر عین الدوله هستند بشود و انسان آمر و ناهی گردد.

چند مرتبه شاه خواسته است بخواند یا روها حقه زده رأی شاهر را بر گرفته اند.

سفرای شدت تمام با ملت همراهی دارند، حتی در روزیک دستخط نسخ مشروطیت را کرده و بسفرای نیز فرستاده بودند و در آن نوشته شده بود که بموجب حرام دانستن علماء مشروطه را موقوف کردم، یکی از سفرای خوانده و چنین گفته بود (به به کوسق تویسون حرام، گناه، پس تمامی دول و ملل ظلم گناهکار بوده و همه فعل حرام میکنند، فقط این دولتیان است که میخواهند گناه نکنند)

روزیک حقه بازپس تمام و دستخط صادر شد که

المرة از مشروطه صرف نظر شود دولتبان دربارین
بامید اینکه به مقصود نایل شده و بارزو رسیده اند
شب درباغ واردو بنای جشن و شادی گذاشته رقاصان
و ارباب طرب و زنان قاصه را جمع کرده مشغول
نامه نویسی و هورا کشیدن (زنده باد عهد علیشاه)
(زنده باد استبداد) شدند .

بر همه واضح است که این زنان بد عمل امشب در
خانه زید میانشند و فردا شب درخانه همرو . امروز
در جلوی این هستند و فردا در آغوش آن ، شبهای
دیگر با رفیقان و مشغولان دیگر حکایت آن شب را نقل
کرده و گفته اند که دربارین در آنشب حرکاتی آوردند
همی زکها کردند که مجلس زید از آرماد داشت ، آقدر
رذائل و قبایح بکار بردند که طلق ما تنگ شده استقامه
میکردیم که خدا یا شب زودتر یا آخر رسد و گریبان
ما از دست این پلایموسها خلاص شود . (ویدلمن
کفره نمرود)

اخبارات تلگرافی خارجه

غیر (روتر) را خبر رسیده که حرما ایکه درباره
منازعات (سرویا و آستریا) اشاعت می شود قالب غلط
است . حکومت (بلقار) به دول اروپا نوشته که باید
مناقشات بین عثمانی و بلقار بزودی تصفیه شود . تا دولت
عثمانی بوم مولود (برنس فریدلند) که ۲۶ فروری
است اعلان باید که بلقار را به پادشاهی ولحد مختاری
منظور نموده

روزنامه (رضنکم پست) می نویسد که (جنرل
سراومو کریک) بجای (لارد کچنر) به سپه سالاری
فتور هند منصوب خواهد شد .

بموجب خبری که از (واشنگتن) رسیده مجلس
ملی عهدنامه سید طمی را منظور نمود .

(برنس فریدلند) بجانب (پترسبرگ) رهسپار گردید
(در (ویا) شهرت دارد که تدارکات عسکری که
برخلاف (سرویا) با نهایت هبه دیده می شد موقوف
شده است . عهدنامه آستریا و دولت عثمانی هم قریب
امضا خواهد یافت .

در (پترسبرگ) استقبال (برنس فریدلند) با
کمال احترام خواهد شد . روزانجات روسی می نویسند
حکمه لازم است او بزودی به پادشاهی نپول شود

(آستریا) هم قبول عودت او را به پادشاهی آماده
است .

(لارد کرزن) وارد لندن شد .

وزارت (سرویا) استعفا داد .

غیر (روتر) از (لندن) خبر میدهد که ملای
(سومالی) به والی قبائل متحده نوشته با وی همراهی
نموده و قشون انگلیس حمله نمایند . والی با کلمات
سختی انکار نموده است .

کافرالیس بحری که مشغول مباحث بوده بر هر
مسئله متفق الرأی شده . بر مسئله حمل اسباب جنگ
مشکلات زود در مباحث پیش آمده بود ولی آهم
تصفیه یافت امید است که عهدنامه در حقیقت آتیه امضا یابد
(برنس فریدلند) وارد (پترسبرگ) شد . و

در تکفین و تدفین (گراهد بونولادیمیر) شرکت نمود .

غیر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد حکمه
بابالی به سایر دول خطی نوشته متضمن بر اینکه استقبال

(برنس فریدلند) باعزاز و احترام شاهی خلاف و

توهین دول اروپاست و مخالف است با انتظامات دول

در اسلامبول از خبر استقبال (برنس فریدلند)

در پترسبرگ اهالی ناراض شده . روزنامه جوامع

ترقی خواه ترکی دولت روس را در این امر ملزم

قرار داده است .

خبری از (پاریس) رسیده که (مسیو کیلو)

وزیر خزانه در وزارتخانه خبر داده که ممکن است نصف

مبلغ (۲۲۳۰۰۰۰۰۰۰) فرانک داده شود . این مبلغ

را (مسیو بیکارد) حجه انتظام و اصلاح قوای بحری

واحب میداند .

(کارنت کینو) سفیر جدید ژاپون حین ملاقات

با غیر (روتر) اظهار داشته که دولت ژاپون را

اراده اینست که در بحر (پسیفیک) از جهت سلاطین

مقتدر ظلم بشمار باشد . ولی غرضش از ائتلاف حقوق

دیگرالست نیست و مقصودش از حصول (جزایر

هاوائی و فیلیپین) این اندازه نیست که مخالفت با

دولت امریکا نماید .

روؤف بانا والی (ازبک) بمسئله کبیری مصر

منصوب شد .

دسته جهازات جنگی امریکا وارد (مانتروودس)

شد - امروز (مستوروزبول) الفران دسته جهازات
را ملاقات خواهد کرد -

تنگرانی از (پتربرگ) رسیده که (گازت)
رسمی دولتی (پرس فریئند) را مخاطب به لفظ
(کینگ) یعنی پادشاه نموده است -

قلب دول اروپا در جواب خط بابالی نوشته اند
قبل از تصفیه مناقشات بین دولت عثمانی و (بلغار)
اراده ندانند که حکومت (بلغار) را به آزادی قبول
بایند -

سفر روس در اسلامبول اظهار داشته که استقبال
(پرس فریئند) با اعزاز شایسته محض احترام و
از روی مصلحت دوستانه بوده و دخلی به پلتیک ندارد -
بابالی متشکر از دول شده و تأسف از حرکات دولت
روس نموده است -

جهاز جنگی (وینگارد) هفتمین جهاز ارفیل
(دریدنات) در (بارد) امروز بآب اداخته شد -
(بلگرید) در کابینه جدید وزارت قرار یافته که
(سپونوواکی وچ) رئیس الوزرا مقرر شده است -

با اینکه در (آستریا) بطریق نچرسی اطلاع
شده که هیچ تغییری در حالت حلیه (سرویا و آستریا)
راه نیافته باز هم روزنامهجات (ویانه) متغیراند - از این
رپورت که دول اروپا اراده دارند مخبره نمایند به (ویانه)
و بلگرید) برخی روزنامهجات بر دولت روس الزام
وارد می آورند که درین تأیید سرویا میباید - در
(برلن) مشهور است که دولت (آلمان) تأیید نخواهد
کرد آن خطی را که در (ویانه) فرستاده شده است
در جواب (سرهنری کان) (سنز بوکان)
اظهار داشت که (لارد مارلی) سد از فور بسیار
مستقیم است و رأی سابق خود که دولت انگلیس
نصف مصارف اصلاح سرحد (عدن) را نباید بدهد
تنگرانی از (آوا) رسیده که در مجلس ملی
(سر آلفرد لابر) اظهار داشته بحث بر عهد نامه
ژاپون محض فضول است، چه سبب این عهدنامه ترقی
در تجارت (کناده و ژاپون) حاصل شده، دولت ژاپون
در فصول عهدنامه درباره مهاجرین خارج با نهایت
دقت کار روانی نموده است

وقایع نگار (طیلس) از (صوفیا) خبر میدهد که

نایبند دولت انگلیس خبر داده که درات انگلیس
آزادی حکومت (بلغار) را نخواهد پذیرفت تاوقتیکه
مناقشه دولت عثمانی و (بلغار) فیصل نیابد -

وقوع صلح یا جنگ در (بالکان) منحصر است
باینکه دول اروپا (بلگرید) زور آرند - در صورتیکه
دول اروپا زور آرند (سرویا) بیوج روح جنگ نخواهد
کرد - بهر حال روزنامهجات (آستریا) می نویسند که
ادعای (سرویا) بی ثبات است و الفاظ مدیران دولت
و مدیران روزنامهجات سخت و درشت است -

مخبر روتر را خبر موقتی رسیده که سوی لندن
بر حالت بلکان همه جا خوف طاری است، چه
بسبب رسیدن موسم ربیع هر کس برای بلکان پریشان
است، مگر واقعه هم چنان پیش نیامده که خوف زیادت
را سبب شود

دولت بریتانیا به بلغاریا اطلاع داده که بمجرد
قبول کردن دولت عثمانی و دیگر دول اروپا او را به
پادشاهی و خود مختاری، دولت انگلیس نیز او را به
پادشاهی و خود مختاری تسلیم خواهد کرد

از اخبار بالکان ظاهر می شود که از وضع مشکوک
روس حل طوقناکی ظاهر میشود چه روس به بهترین
الواج امدادی حکم احضار برای دیدنشان در ۶ هفته
صادر نموده پس از جنگ ژاپون این موقع اول اجتماع
آنها است، روزنامهجات روسی در انتظار جنگ اند

(کاونت فورگش) سفیر آستریا مقیم سرویا و
معاودت او به حرکات سرویا است، آستریا دیگر صبر
نمی تواند و نماید

(سپو استولی پین) در یکه از اجلاجات دولتی
روس در اجوبه والات بیان کرده که مفتش پلیس
(اذف) در تدارک حرم بوتیک نهایت کار نمایان
کرده از چایات خداران که او شریک آنها بود دولت
از روی وثوق بر آن چنین نمی کند، هرگاه از انصری
حرمی سرزد شود بنوع سختی سزا داده خواهد شد
و دولت مصمم شده است که (لوپوکیم) را مجرم
اشکاف حل اذف بر نمایان سزا دهد

کاترینس بھری دول که اکنون در لندن منعقد است
در مجلس اختتامی خود برهیک از قراردادها دستخط
خواهند کرد که در این مسائل متنازعه فیه و اتصاف

آراء در مجلس حکمت لاهی فیصل یابد
 § خبراً روزی از شنکهاں خبر میدهد که در کیسیون
 تحقیقات تریاک در تمام نحریکات متفق الرای شد بید
 نیست اصحابوم بکشنه بحرگز خود بروند

§ مجلس ملی (پورس) ویاہ این خبر خوش را داده
 است کہ دولت روس بہ اتعاق دول اروپا سرویا را
 حواضد فہمائید، وزیر اعظم سرویا دبروز در (اسکپتینہ)
 اطہار داشت کہ امید است دول اروپا آزادی ملی
 سرویا را برقرار گذارند، فقط از یک دولت مخصوص
 خوف میرود

§ (دیل کرائکل) س نگاردر حرکت دولت آلمان در
 تعمیر جہاز از قبیل (دریدانات) عجات بکار برد
 پس انگلستان از اندازہ خود گذشته ترمیم دستوالعمل
 بحری خواهد کرد و از برای اخراجات فاضل فرض
 گرفته خواهد شد، در مجلس ملی بہ اتفاق آراء بر این
 بیان رأی دادند

§ مجدداً (پانی) الہ آباد مینویسد از اخبار واسلہ از
 مشہد بہ ہندوستان ظاہر نمیشود کہ کلروائی مشروطہ
 خواہان مشہد از بلوا شدہ درین صورت ممکن
 نیست کہ در آنجا انجمن های خانگی از افسران دولتی
 حکومت را منصرف شوند کہ راپورت این درتکراکات
 اروپا ثبت است

§ مجلس ملی (کالیفورنیہ) از (۲۸) رأی برخلاف
 آراء ظاہر کردہ کہ اقوام آسانی از سلطنت متحدہ
 امریکا علیحدہ صکرده شوند، از تجدید این سخنان
 دانایان را تعجب دست داد

ترجمہ (نوت فنونی) ترکی

(مجلس مبعوثان)

مہوم عنایات از جلد ماہ ہائشمارف در کمال
 پتہراری انتظار میکشیدید کہ بموجب پروگرام منظم روز
 پنجشنبہ چہارم کاون اول در صورتی مکمل و معطنن
 (مجلس مبعوثان) طلوع کردہ چون آفتاب چہاشاپ
 گیتی آرا از مطاع سعادت رخ مودہ دبدہ دل دادہگان
 را روشن و سبہ انتظار دیدہگان را گلشن گردا دہ
 ذات اقدس اعلی حضرت شاہانہ برگردونہ حشمت سوار
 در حالیکہ صدر اعظم پاشا و شاہزادہگان آزادہ در
 رکاب اقدس بوقت ظہر از سرای (پلہرز) حرکت

صکرده رہسبار شدند، ساعت ہشت (ساعت دو)
 بمجلس مبعوثان شرف ورود ارزانی فرمودند و اندکی
 بعد از افتتاح مجلس مراجعت نمودند۔

در باب افتتاح مجلس مبعوثان اخبارات شہری
 بلارمہ تفصیلات برداختہ اند دیگر ما را بتکرار آن
 تفصیل ضرورتی نیست فقط نطق اقدس دات ہابونی
 شاہانہ را ما در اینجا بر وجہ اہم درج مینمایم

نطق ہابونی

ایمان مبعوثان - چونکہ اجرای قانون اساسی را
 کہ در اول جلوس مہمنت مائوس خوبی وضع کردہ
 بودیم اتفاقاً مشکلاتی چند در جلد تصادف نمودہ بود و
 رجال دولت نیز تعطیل (مجلس مبعوثان) را موقتاً
 با ضرورت تعلیم معارف تاجحد کمال را در ممالک شاہانہ ام
 لازم شمرده و تعویق و تاخیر قانون اساسی مذکور را
 از پیشگاہ اقدس ما توصیه کردہ و خواستگار شدہ و
 تکرار مجلس مبعوثان واجتہاش را بوقت دیگر مرمون
 داشته بودند۔ پس از آن در ممالک شاہانہ ام از ہر
 طرف بتاسیس مکاتب و مدارس برداختہ و دو ترقی
 معارف اہتمام وافق وجد و سعی کافی بکار بردند۔
 شکر بزدان را کہ حصول این مقصد اہم در سایہ معارف
 بصوف اہالی ملک و ملت صورت بستہ میسر گردید
 دارای استعداد لازمہ شدند و ما بآرزوی سہ خود
 رسیدیم۔

انشک چون اطمینان حاصل نمودیم کہ حصول این
 آرزو سیادت و سعادت و شرف و جلالت دولت و
 ملت ما را در بر دارد علی رغم مخالفین دولت و ملت
 بلاردد باز همان (قانون اساسی) را از سر نو اعلان
 نمودیم و مقتضای آن از سر نو با اجرای اتعایات
 (مجلس مبعوثان) و اجتہاع ایشان ارادہ فرمودیم و
 از روی گردانیدن ادارہ مسلک صدارت را بہدہ
 (کامل پاشا) نهادیم و ایشان را اختیارات صدارت
 دادیم۔ در ہمچو وقتی کہ تشکیل ہیئت وکلای ادارہ
 جدیدہ مشروطہ در تحت ریاست مشارالیہ بود و ایشان
 نیز بالفراہم و انتظام آن اشتغال داشت (پرس
 بلغارستان) و (والی ولایت شرقی روم اعلی) بہرطور
 کہ بود از صداقت با دولت علیہ ما انحراف ورزیدہ
 استقلال بلغارستان را اعلان نمود و متعاقب این۔

(دولت آستریا و مجارستان) نیز (بوسنه) و (هرسی) را که بموجب عهد نامه برلین در تحت اداره او بود بر حوزه حکومت خویش الحاق کردن خواست و این امر را هم باسالی وهم بکاپینه های دول معظمه بیان کرد و اطلاع داد .

این واقعه مهمه که محل حقوق و مناسبات است از آن جمله حادثات فوق العاده است که بسیار موجب تأسف ما گردیده است که رو آوری این تجاوزات در موقع اجرای (قانون اساسی) واقع شده است . ما در اینفرع محافظه حقوق دولت را بهمت وکلای خود وایکگذاریم در این باب و در هر حال سعادت و مظاهرت مجلس عمومی را آرزو مندیم

بالجمله از آنکه در میان دول عظام و دولت علیه ام حسن مناسبات و لطف مصانعات و دوستی و یکجبهی محکم است مأمول مبداریم که معاونت دول متعانه معظمه مسائل سیاسیه با حسن الوجه و حسن صورت فیصله پذیر گردد

از آنسکه در باب امور واجیه الاقدام از قبیل مایه دولت و توافق و توازن واردات ملک با مصارف و فرام آوردن اسباب ازعباد همرازان مملکت و استکمال سعادت و رفاه حال صنوف ملت تیره شامسه ام از تکثیر و تنظیم مکاتب و مدارس علوم و فنون معارف و انشار حرف و صنایع و تکمیل قوای ریه و بحریه خودمان لوامع قوانین منظمه که قابل تصدیق (مجلس اعیان) باشد از دوایر حکومتی (مجلس مبعوثان) تقدم نمود . البته تدقیق و تنظیم و صرف همت کار آگاهان مجلس مبعوثان را مأمول مبداریم . این (مجلس مبعوثان) را که در حق دولت علیه و مملکت شاهانام سراپا مسرود و با بیمنت است امروز گشودیم در اینوقت و ساعت سعید که مبعوثین ملت خود را در حضور و پشتگاه خود می بینیم خود را بختیار می بنداریم .

هنرم ما در حق اداره کردن مملکت خود بقانون اساسی قطعی و لای تغییر است .

انشاء الله الرحمن الرحیم خواهیم دید که این (مجلس مبعوثان) بدوات و مات ما خیر های کثیر خواهد رساید و وطن عزیز ما را بهر گونه سعادت نائل

خواهد گرهانید . خطاب حق جل شاه جبه ما را بتوفیقات صمدانیه خویش مظهر فرماید .

﴿ ایضاً ﴾

(مطبوعه چهاردهم ذی الحجه ۱۳۲۶)

(ضیافت شاهانه)

پوشنبه گذشته شب جمعه از طرف حضرت پادشاهی در سرای هاپون ظل اللهی بمبعوثین کرام را سلط ضیافت مکمل گسترده گردید . در همان روز مذاکرات (مجلس مبعوثان) در ساعت یازده با اختتام رسید و یکشنبه از یازده گذشته (پنج و ریح) از دایره مبعوثان در حالی سکه عهد علی پاشا مبرالای یاور سلطان موجود بود از اصطبل طامره شاهی بصورتی مخصوص گردونه های کشاده و پوشیده فرستاده شده بود دو هزار مبعوثان هر گردونه سوار شده باین هاپون عزیمت کردند . مگر از آن گردونه ها دو گردونه مزین تر بود . یکی رئیس مجلس و یکی رئیس وکلا مخصوص کرده بودند . چون مبعوثان پسرای (پهلوز) رسیدند صاگر شاهانه رسم سلامی را ادا کردند بعد از آن از طرف مأمورین کثریضات ایشان را استقبال کردند و (بدایره مراسم) رسانیدند در این دایره دروازه های ایوان ها و اطباق ها را کافه از برای مبعوثان گشودند و بیک ایوان را از برای ادای صلوات تهیه کرده سجاده ها در آن گسترده بودند . مبعوثان اقدبان در آنجا نهار مغرب را خورده بعد از آن همه در حالیکه رئیس الوکلا (احمد رضا پاشا) پیشاپیش ایشان بود بدرجه فوقان از به ها بالا رفتند . چون بمخواستند داخل ایوان طعام شود که اعلیحضرت ذات شاهانه خود بدولت در حالیکه (فورمه) (کورت رسمی) مخصوص درباری زیب بر و زینت پیشکر اقدس فرموده بود نفسی نفس وکلای خود را استقبال فرمود و مبعوثان هر یک تمنا یعنی آداب شاهی بجای آورد و ذات شاهانه او را باطاق طعام میگذرایند . و ایوان طعام را چنان زینت داده بودند که دیده بینندگان از ملاحظه اش خیره می شد . چنانکه جبه مبعوثان واه و حیران مانده بودند

چون همگی باوانف طعام داخل شدند بانتظار قدم مبعوثان لزوم اقدس ظل اللهی صف بسته انتظام

طعام (پیلو) رسید باشی کاتب (میر منشی) سلطان
(جوادیك) نطق هابونی سلطان را قرائت کرد

« نطق پادشاهی »

بزرگان مبعوثان - حق تعالی رحمت و سعادت شما
پنزیاید - بگام میسر که امشب در تاریخ دولت علیهم
آن اولین شب با میمنتی است که من با وکلای ملت عثمانیه
نجه شاهانام یعنی با کلین ملت خود در بکجا و یکخوان
طعام صرف نمودیم. در حقیقت و از روی وجدان
نهایت ممنون شدم و شما را تبریک میگویم. حسب عاده
و تعالی جهت ما را امثال کثیره اینگونه شهای بامینت
مشرف گرداد.

ای جماعت مسعوده بیکه شما آثار بخشایش فیاضانه
(قانون اساسی) را مدولت و ملت و وطن و مملکت
و سلطنت الهی ماثلاً یکو دلیلید از ایجهت بسیار
شایان تمجید و تجلیلید.

(اقتدیان مبعوثان)

معلوم شما باشد که چون شما مبعوثان بعد از خداوند
خافظ و نگهبان حقوق دولت و ملت و سلطنت و
مملکت هستید از ایجهت وظیفه شما هم بسیار اهم و هم
نهایت مقدس است. و مناسبت این تقدس و اهمیت سی
و غیرت و قصد و نیت و محبت و حجت شما مطلوب
من است. اینک ما خود بافتات (قانون اساسی) را
حکمه منقض احکام حکام و متکفل امور جمهور و
متعلق حقوق دولت و ملت است بنایت خداوند کریم
دل داده و عداوت و خصومت مخالفین قانون اساسی
را از دل و جان آتاده و از برای تأیید آن خصوصاً
و تأمین شما عموماً ما خود مدولت که پادشاه و خلیفه شما
حسبم راسخ العقیده و نیت قدم ایستاده ایم، خداوند
تبارک و تعالی سعادت و سلامت دولت و ملت را بسی
و غیرت و حفظ و حجت ما معین و مظهر گرداد. فقط
حاضرین نطق اقدس ذات شاهانه را بصورت تمام
شنودند و اظهار مسرجهای فوق العاده نمودند. بحدیکه
اعلیحضرت منتهی درجه محطوط گردیده حد از آن
فرمود (در مدت عمر خود بگام نمیبرد که گاهی باین
درجه مسعود و مسرور شده باشم)

بعد (احمد رضا بک) از طرف وکلای مبعوثان
بخواست در حالتیکه ذات شاهانه را مخاطب گردانیده

مانند. آنکه اعلیحضرت اقدس مشرف آوردند بمقام
مخصوص خویش. بعد در طرف راست اعلیحضرت
سلطان بر دینف صدر اعظم پاشا و ناظر داخله و رئیس
تای وکلای مجلس مبعوثان (اریستیدی پاشا) و بجانب
چپ نزدیک احمد رضا بک رئیس اول وکلای مجلس
مبعوثان و طلعت بک و ناظر هدایه که بسمت مبعوث
آمده بود و رفیق بک. بعد از آن هر یک از مبعوثین
بهای مخصوص خود آمده بعد از نشستن اعلیحضرت
سلطان هر یک بمقام و موقع مقرر مخصوص خود
نشست. در آن اثنا همه دروژه های اطاق طعام را
گشودند. در آنوقت در پیشگاه اطاق طعام (موزیک
جیان حمیدیه) بنواهای دل رای روح افزای خان
بمقام موزم دو آمدند و حاضرین شنودند. حالا بتناول
طعام ضیافت شروع نمودند.

ذات شاهانه در آن وقت نهایت بشاشی و مسرور
و ملبسط بود و همواره در کمال نشاط (احمد
رضا بک) و (طلعت بک) ذل مراحم و واژش و
لذذات خسروانه میفرمودند.

ذات شاهانه با وجودیکه در طعام نفس میس
قناعت کار و سیار کم خوارید. مگر از چون انواع و
انقسام اطعمه را بدور میز میگردانیدند بعضی اهتزاز
مهمان عزیز خویش میبچک از آن طعامها را رد
نمودند از هر یک ادکی گرفته تناول میفرمودند.

اعلیحضرت اقدس سلطان در حالتیکه با احمد رضا
بک واژش و گفتگر میفرمودند محبت و سخن طعام
کشید (احمد رضا بک) مناسبت مقام حال فلاکت اشغال
زمار دراری خود را هنگامیکه در (اروپا) محصوریت
تمام و ناچاری مالا کلام خود با دست حسو بیعتن
طعامها روراه قیام و اتمام نمودن و در بختن طعام
رحمت کثیره دیدن و مشتقهای وفیره کشیدن خود را
بیان میکرد و ذات شاهانه در مقابل بیان ایشان تسم
میفرمودند.

و در انشای طعام بار (موزیک جیان حمیدیه)
بلحهای خوش و نواهای حائزای دلکش یعنی بنوای
حریت وطن و مبعوثان موزم گردیده در حقی که طعام
را در محفل دور میدادند لمهای (الکترقی) خوااموش
و فی القور لمهای دیگر افروخته گردیده. آنگاه چون

بود نطق داد ، چون اجازت نطق از اعلیحضرت اقدس حاصل کرد ذات شاهانه خود بدوات برخواستند ایستاده شد و ارکان مبعوثان نیز بالتبع ایستاده شدند نطق رئیس مبعوثان را ایستاده ایستاده استماع فرمودند .

نطق احمد رضایک رئیس مبعوثان

پادشاه شوکتآباد - وقایع مشهوره زطاب را از برای عبرت احلاف در تاریخ مدنیت جهان نقل و ثبت می نمایند . این مائده هاپونی ملوکانه امشبه را نیز با کلك گهر سلك شكر و خامه مشکین شهامة ستایش ثبت و ضبط تاریخ مدنیت عالم خواهند نمود . که این نخستین دفعه است که حکمدار ذی اقتدار و سلطان عظیم الشان عنایان با تمام وکلای ملت عنای بر سر یک سفره در یکجا باهم نان و نلک تناول نمودند

و هم خواهند نگاشت که این اولین بار بود که همه وکلای ملت مرکب از اولاد وطن بلافریق جنس و بدون امتیاز مذهب برخوان نعمت حکمدار جلالتمدار عنایان مانند عبال جمع و پادشاه ظلاله و ولی نعمت بلا اکراه و خلیفه مسلمانان بلاانتخاب همچون پدر بزرگوار شفیق محرم مهران رایشان حکمرانی و ریاست میکنند ، و حال آنکه اهالی شرق تا بعد از قرن سیزدهم باین سعادت عسکری و موهبت عظمی نائل نشده بودند . البته باین مواسات و مساوات و این حسن دوستی و موالات فقط در اوایل اسلام تصادف کرده باشد . در زمان سعادت قنران شاهانه از طادات قدیمه این مدنیت نویجه اسلامیه بظهور آمد . بعد از ششصد سال سلطنت با استعلاال خاندان عنای امروز باطاف و عنایت ذات بارکات شاهانه تجدد پذیرفتن این طادت دیرینه اسلامیه در همان خود یک مقدمه نورانی و موهبت روشناسی فضیلت مدنیت عنای خواهد بود . تشکرات و احترامات رفقا را از روی لطف قبول فرمائید ای پادشاه من .

بعد از ختم ضیافت و نطق ، حاضرین صداها را از روی خوشی بدعا وثنای ذات ملکوتی صفات شاهانه بلند کردند . در آن بین اعلیحضرت اقدس از میان مردم بیرون تشریف بردند ، از آن پس ارکان مبعوثان از اطابق طعام ایوانی و سبتر رفتند بعد از قبلی زمانی

حضرت ظل سبحانی باز بجهال نورانی خویش منزل را رشک بهشت گردانید ، آنگاه مبعوثان چوسیدن دست حق برست شاهانه شتاب گرفتند ، در انجالت صداها و نعره های خوشی مردم بسوق میرسید که بالاجماع صدا بسدا داده در گال سرور و شرف میگفتند . زنده باد حریت ، زنده باد ملت حر ، زنده باد پادشاه حریت خواه و حریت پسند

بعد از آن ات اقدس سلطانی با یوان خویش تشریف بردند . این دفعه بعضی از مبعوثین ر از جماعت جداگانه محضور اقدس سلطانی رسیدند ، (حوادك . ماش كاتب . میر منشی) بایشان گفت که بموم مبعوثین رسانند که اعلیحضرت سلطان مینرمايد :-

(ملت هر وقت که بخواهد من حاضرم که چنان خود را در راه ایشان فدا کنم)

پس این پیغام ملوکانه را بموم وکلا و حاضرین رسانیده بعد از آن مبعوثان دودو نفر بر گروه های مقرره مخصوصه خود نشسته منازل خود رفتند

حیل اللین

این ترجمه را حساب ادیب یگانه و فاضل فرزانه حاجی میرزا تقی خان کمال الدین (سنجر) که یکی از وطن خواهان غیور و درامات حلیله اسلامی رامپور سمت خدمت دارد اداره فرستاده است اگر چه قدری از موقمش گذشته بود ولی چون رایحه شاه و شاه دوستان ما طایه عبرت تواند بود درج نموده از جناب میرزا کمال الدین سنجر نیز درین دحق که کشیده اند تشکر می نمایم

ترجمه اخبار خارجه راجع بایران

نلسکرافیکه اهالی سلیمان در طلب حواء از دوات علیه سنیة سنیه عنای مخاره کرده بودند ، رحمت اراده سنیه در مجلس وکلا تحت مذاکره آمده و چنین خوب داده شده حواء اهالی سلیمان امروز بسته بسوق مقداری عسکر است بسرحد ، و آنهم واسطه سرمای فوق العاده سرحد خلیلی مشکل است ، و از طرف دیگر نیز اسباب شکایب سایر دول تواند شد ، پس خوب است هرکس که حواء دوات علیه را ببخواهد از خلك سلیمان عبرت گرفته در ممالک شاهه از ارضی امیره بجایا ملک

بناها داده خواهد شد و همه قسم اسباب راحت را
مأمورین سرحدات بجهت آنها فراهم خواهند آورد

§ اردوی صمد خان را که بجاهدین از سرحدود
مترقب ساخته بود و در قسمت آاه اخذ موقع
کرده بود فرقه احرار در محل مذکور هم کاملاً
اردوی مزبور را تارومار کرده بکلی بریشان ساخته اند
و محض آنکه دوباره در نقطه دیگر جمع نشوند انجمن
ایالتی بجهت تعیب آنها قلیچ خان و بهادر خان را
با سواران فراجه دانی و ترکه مأمور نمودند

§ از اصفهان خواهش کرده اند که چند نفر از
اوتادان (ب) ساز را از تبریز باصفهان فرستاده تا
در آنجا هم (ب) ساخته شود، ستارخان قبول خواهش
آنها را خیلی لازم دیده در خیال فرستادن چند نفر
میباشد

§ قشون که از طهران باصفهان مأمور شده بودند
بواسطه صبیان که در عرض راه از آنها سر زده
فرمان ده شان از (ق) مجبور برحمت شده است

§ میرزا مصطفی خان صفاطالملاک که سفارت ویا
مأمور است وارد اسلامبول ندهه بواسطه بعضی قروضی
که سه سال قبل در اسلامبول اقی گذاشته بود طلبکارها
مانع از حرکت بمحل مأموریتش شده اند و بجهت این
محامت نظارت ضعیفه هم اطلاع داده اند

§ فرمانفرما دوباره حکومت اسمهان را قبول کرده
بسیاه بختیاریها بکشته قشون در طهران حاضر میکنند
§ مأمورین سفارت عثمانی عانت از انتهای مظلومین
ایران نموده و بطور موقر خبر رسیده ازین دو نظر
دقت وزارت خارجه و در این باب جواب میبایم

§ ۹۱ فروری خبر میدهند که در تمام بلاد مختلفه
ایران هیجان عظیم و محاربه های سخت بوقوع می آید،
احوال از همه وقت وحیم تر شده شده به تریز دوباره
قشون میفرستند

§ حکومت ایران میرزا رضا خان مؤدالسلطه را که
سابق در برلین بود سفارت پاریس نامزد کرده در
این باب از دولت فرانسه استعزج شده است

§ سفیر جدید ایران مصطفی خان بویه وارد گردید
§ اقبال الدوله که در قوسوخله انگلیس منحصر
بود بواسطه تأییدات کتی که از مصمم السلطه گرفت

است با بیخ خبر تزاوی از محسن بیرون آمد
§ بجهت سوق عسکر برای اصفهان در طهران تهیه
می یفتد امروز سه هزاره توپ کوهی با یکصدت ازسوار
حرکت داده اند

§ بسیاری از علماء طهران بواسطه سفارت روس و
انگلیس عریضه بشاه نوشته مداخلات اجنبی و ضررهای
این مداخله و تمام راه و چاهها را در او قید کرده
و بجهت سه ابواب این بلایا حکم افتتاح پارلمان را در
کمال فوریت خواستگار شده و قران مجید را نزد وی
شفیع فرستاده اند

§ مجلس ملی اصفهان تمام سفارت های اقلیه که در
طهران هستند قانونی نبودن تمام تدابیر محمد علی شاه
را پیش از افتتاح پارلمان تلگرافاً خبر داده است

§ مستبدین خراسان تلاش دارند که مقامات تبرک
را سنگر و پناه گاه خودشان قرار دهند ولی احرار
این را ادب ها را هر کجا گیر بیاورند تأدیب خواهند
نمود

§ در اغلب شهرهای ایران علماء مردم را بجهت
و تقویت از سقار خان و مصمم السلطه تشویق
میکند.

§ در باب چهار مایون قرضه حاجی امین الضرب
بانک استقراضی که پیشنهاد به سفارت روس شده
است مأمورین بانک مشغول مذاکره هستند، بانک
میخواهد بر سیه وصول این وجه خاه و کاروانسرا
و سایر املاک حاجی امین الضرب را فروشد، چون
در شریعت اسلام تا رضای صاحب ملک نباشد بیع
حرام است مشقزی پیدا می شود علاوه بر ۴۴ مایون
طلب روسه بتوسط بانک استقراضی از دولت ۴۰
مایون هم از نیمة ایران طلب داود بانک مدعی است
در حایکه ملک را از بابت طلب نتوان فروخت بهیچ
وجه کار از پیش نخواهد رفت حالا حکومت ایران
میخواهد ما ملک حاجی امین الضرب را خودش تصاحب
کرده طلب بانک را هم قبول نماید

§ سفارت روس و انگلیس قرار داده اند که بعد
از این بیع وجه بستی و مانعی قبول نمایند (مشروط
بر اینکه این قرار در برای مستبدین هم باشد چه این
و بعد مستبدین پیش تر بناحده سفارتخانه خواهند شد)

در شهر (کاشان) و (قم) سکونت حکم فرماید و هر جا که در دست مختیارها میباشد نهایت املیت را دارد برای اتباع خارجه بیچ وجه نهنگ متصور نیست

تقوید و اعتبار شاه ساعت بساعت از نظر مردم خارجه و داخله قاتل می شود

مکایک می تفنون راه شوسه تبریز را در حالت تعمیر اکراد ما کوئی که قشون دولت محسوبند بشلیک گرفته مانع تعمیر شده اند و مال التجاره نیمه روس که از جانب اکراد ضبط شده بود بکسر پاکو برده اند صاحبان بار اردوی سالار رفته شخصاً با خودش گفتگو کرده جواب این قسم شنیده اند مال التجاره و شترها مال هرکس میباشد باشد ادا پس داده نخواهد شد و این را هم سالار اظهار داشته ما قبل از وقت خبر داده بودیم قهریز بیچ چیز قهرستند اگر فرستند هرچه میخواهد باشد ضبط و مصادره خواهد شد (گویا این دستور المصلی است که از دربار درود که بلکه رعایای خارجه را بداد و خرابه آورد)

این روزها باحرار مرند و علمدار را باصد سوار و بکراده توپ مسدود خواهد رسید بواسطه محرم از طرفین مقاله تعطیل است

کلاه و مسجر

روزنامه افاق بنویسد یک نفر از سوان طهران (ها خام) نام زیورات خود را فروخته مبلغ دویست مانات برای طاقه ایتم شهدای تبریز مالک مکتوب ووزی با اداره فرستاده و چه مزبور انجمن اطافه که در ادکوبه باجاره حکایت علیه فتاح شده تسلیم و بعضی رسید گرفته شد سفیده ما مسجر ما کلاه باید این روزها عوض بشود (بواسطه بدشمن گنجایش در صفحات جلالین از درج هر مکتوب صرف نظر شد)

انجمن سوان پترزبرگ

روزنامه (ن. و) بنویسد که در (کلوب) زنان پترزبرگ جناب میرزا علی آقای جنید در تحت عنوان (حال زنهای ایران) نطق داده و جناب (سیوی پلوف) ترجمه زبان روسی مسکرده و بی اندازه مظهر حسن قبول گردیده است. خلاصه نطق این بود

در کتاب مقدس نه این گات مبارک درج است (بژنید

در را تابشها بار شود) من که باینده ملت ایرانم آمده در اروپا را میزیم و هیچ چیزم بمسواهم فقط این را خواهم که حمایت از استبداد نکرده بیچ وجه مداخله بکارهای ایران فرمائید و جندی بیطرف باشید تا حصول و قوه خداوندی ما هم در تحت حکومت ساده مشروطه بتوانم واقص خودمان را درست نمایم. امیدوارم بعد از این زهای ما هم مثل شما دور هم جمع شده بحال ملل بدخمت دیگر دلسوزی نمایند. همان استعدای ما بیطرفی دول اروپاست که قرنها مارا محارفات متشکر خواهد ساخت

سیوی پلوف خودش هم ابصاحتی راجع ببدخمتی زهای آنجا و از ظلم طاق ایران و جهالت و نادانی رجال دولت پیک بسیار شیون ادا نمود در آخر ابصاحت خود مدخله مأمورین روسی را هم بکارهای داخل ایران شرکت ایشان را در این ظلم و جوری که نسبت باهل ایران شده علاوه نمود. مساوتی که مأمورین روسی با اداره استبداد مسکرند تا ما را با اده و برامین شیون رساند. و گفت کسان مدعی بر این اند که پلوف شاه و مأمورین روسی را نیت می بیند ولی اگر ادعا های خودش را با لوف نمیتوانست ثابت نماید مان و ضعی ابصاحت آنها در محاسن عام فیهاد گر دروغ بود سیوی پلوف را محکمه می کشیدند

طرفداران شاه در پترزبرگ

شاید ندانید که یکی از مشاورین مخصوص شاه وده و حالا در روسیه است یکی انجمنهای دورنامه (ن. و) اظهار داشته که مردم گمان میکنند من بجهت استقرار شاه روسیه آمده ام و حال آنکه ادا همین بست. من حالا بدآنکه استبداد ایران مداخله میکنم تا شاه اوسال و مرسل در م ولی فقط معال دوستانه و شخصی است. امروز دربار دولت و هیئت استبداد فقط امیرها در را می شناسند و این شخص در ما مکات و رضی است که تمام مکاتش را صرف استقلال استبداد باید

این ابام امیران و اصار شاه به پترزبرگ جمع شده در پیدا کردن پول سی مبلغ میکنند. جناب میرزا علی آقای جنید پروتستهایک در مجالس روسی میکنند زحمت آنها را بی قیبه گذاشته و ما آنکه مسئله پول

قطماً باعث قطع حیات شاه و لیاکوف است مع ذلک ما تمام قوا مشغول تلاش هستند ، یکی از این تلاش کنند ها (کاپتان اوشاقوف) است این شخص از مأمورین قزاق شاه و در اوامر ولیدهدی شاه حاضر مأمور خدمت او بود و در تمام فلاکت های ایران ا شاپشال شراکتاً مشغول بود این روزها هر دو به پترسبرگ آمده بواسطه روزنامه ها شاه را یگناه و ملت را ظالم و سرکش و وحوب دادند قوس را بایران در لباسهای مختلف و نمود میکنند ، و از هیچگونه کذب و افترا بهره نمی نمایند اگر بنوشته های اینها شخص نگاه نماید شاه مصمم بطرفی آید ، و اطرافیهای شاه ملائکه به تصور خواهند آمد تمام تقصیر را کردن ما می اندرند ریختن خون این ملت را واحیات حلوه میدهند

جناب (مسئله باوف) رای حلو گیری نیز وسوسه اینها مقاله ذیل را در روزنامه های روسیه وارده یا نوشته است

در این اواخر بسی مقاله ها راجع بایران در روزنامه ها درج میشود که از قلم شاپشال و کاپتان اوشاقوف بیرون آمده اند ، این دو شخص از مأمورین مخصوص محمدعلی شاه اند ، و تمام مقصود اینها این است که ما این وسوسه ها خود شاه و لیاکوف را در تقصیر بیرون بیاورند ، و برای اینکار از هیچگونه کذب و افترا پروا ندارند چون خیال آنها اینست که اهالی روسیه را گول زده محبه شاه ظالم بول پیدا نماید ، و حال آنکه این اقدام خود مداخله بایران و دو ضد ائتلاف دولت انگلیس است کاپتان (و شاقوف) در روزنامه نووروییا مقاله اشکر کرده در آن مقاله صورت واقعات طهران را عروس کرده با اسامی دروغ ملت کاری های که به مطالب روسی در طهران کرده اند پرده پوشی می نماید ، این همان اوشاقوف است که بواسطه خدمات صادقانه که شده میکرد در عرض سه سال مأموریت پنج سال است ، در ایران است این همان اوشاقوف است که در کمال شدت بالمان ایران را بتوپ بست و بشخصه خانه نظیرالدوله را یقیناً کرد ، این همان اوشاقوف است که بدون رضای شاه دستها ترتیب داده تبریز میخواست برود و اگر اعانت دولت

انگلیس می شد رفته و مقصود خودش را انجام میداد ، این همان اوشاقوف است که مادرها و خواهر های سرمار ما را که با آنها نزد او آمده و مستعدی بودند برادران و پسران آنها را بجلو گلوله تبریزی ها هرستند ما شلاق سرشان میزد و بیرون میکرد ، حالا همان اوشاقوف در پترسبرگ برای شاه تلاش دارد که پول پیدا کرده و ملت روس را مبالغه سایر ملل متمدنه ظالم کار نماید

در این اقدامات اوشاقوف هیچ تعجب نمیگردد ، فقط بیک سؤال دارم از مشارالیه و آن اینست که دلیل از آنکه قلم دست گرفته این مقالات را روزنامه ها بویسد دسپان که ا خون شهدای مصوم ما برین رنگین شده بود شسته است یا خیر (باوف)

غیر مخصوص طمس در ایران

از طرف اداره روزنامه طمس هم یکفر غیر مخصوص بایران فرستاده شده جایی می بویسد ، از راه بحر خزر سمت شمال ایران وارد آنها طهران رسند ، سیاحت من قدری مشکل بود ولی در راهها امیدت موحود است ، خیلی کاروان ها در کمال اهمیت در تردد دیدم طمس از خارج خیلی سخت میآید ، فی الحقیقه پلیس با معاونت قزاق آسایش داخلی را مکتلاً محافظه نمایند ، در باب قتائل حوریه هنوز معلومات صحیح حاصل نکرده ام ، همینقدر مختاری ها که اصفهان را قبضه کرده از حال خود شان خیلی ممنون اند ، بر ضد مصمصام السلطنه ریاست یل بختیار را که برادر مشارالیه گذار شده این هم در علیه شاه با برادر خود تعقی شده است ، عسکری که مرکب از قزاق و سوارهای بختیاری است اصفهان فرستاده شد و در راه مشغول قارت شده حق نیست دولتی را هم بنها ببرند ، حالا شاه در خیال فرستادن دو قوه منظم ماصفهان است و گویا این خیال از قوه عمل بر نیاید - بلکه ایل دیگر است سمت جنوب بختیاریها که فتنان نامیده می شود ، ده هزار سوار جنگی دارد اینها نیز در علیه شاه قیام کرده رئیس آنها صولت لوله میباشد ، و از اقدامات مصمصام السلطنه تقلید خواهند کرد ، رئیس ایل گلپور داؤد خان هم در مشرف قیام است حتی در خواب دیده که تاجی بر سرش گذاشته اند ،

و کرمانشاه بعد از مصادمه های زیاد میان دشمن و اهالی حلیه جنگ متارکه شده و آسایشی برقرار است. احوال تبریز هیچ تبدیل نشده هر قدر عساکر شاه بهمانت حل ارزاق از راه حلقا میکوشند ممکن نمی شود. هده احرار از طایفه ارمی و جرکی که در اردوی سقار خاند مالغ بر با صد نفر میباشد، در تبریز هوا خلیل مرده است و بواسطه سرما قوای مسکریه و تشبثات واسه بی نتیجه میباشد.

راه های جنوب ایران امنیت ندارد در غالب مقاطعات بیست را تجارت میرسد، تجارت در حالت سکت است، قبایل این طرف تماماً طرفدار مشروطیت هستند، علمای مشهد و همدان هم در اخذ حریت کوشاند.

لا محاله اعتراضیه و پروتست

ایرانیان اسلامبول

سی سال متجاوز است که هتلا و ارماب سیاست ایران در حفظ استقلال دولت متبوعه خود و اعتلای سطوت و شأن آن خلیل فدائاری ها نموده، تا در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه نادروری شان بایل آمدند، تصادف ضدیت محمد علی شاه و موافقت رجال درباری مخیالات او از اندازه حکومت مشروطه مجلس ملی ایران دچار خطرات عظیم گردید، مجلس ملی ما چه سرأ و چه اشکاراً مدافعان حقوق وطن مشغول، و از طرف دیگر هم از تأسیس قوانین آن خود داری نمود، با وجود تمام آن بافتن که در پیش می آمد و می آوردند بجز خود فتور راه داده مظهر خصیذات خارجه و داخله شده بود، یک قسمی از قانون اساسی در این پارلمان جدید وضع گردید در ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۴ و نامضای شاه مرحوم و خود محمد علی شاه تصویب شده و قسمت دیگرش هم در سانج شعبان ۱۳۲۵ با مضامین شاه حاضر رسیده و موقع اجرا گذاشته آمد، این قانون از طرف كافة دول متبوعه قبول شده و بموجب همین قانون محمد علی شاه بسریب سلطنت جالس گردید و در ایضای اداره جدید، نات قدم بودنش را چین های موکده محکم داده و اهالی به سلطنت مشروطه شاه حلیه را شناخت، اطاعت نمودند، بعد از آن پارلمان مشغول تأسیس قوانین دیگر از قبیل نظمی و حکومت و مالیات و غیره گردیده آنی از تکالیف خود مختارات داشت که یکدفعه مجبور بتعطیل شد بعد از تعطیل پارلمان و انصراف شاه از حدود حدایت بموجب قنای مجتهدین و رؤسای روحانی ملت

ایران لزوم و وجوب مقابله را با جلین حکومت طلبه و ندادن طالبات را از تکالیف شرعیه دانسته تا امروز با كافة قواء خود مدافعه حقوق قیام نموده و الی آخر از ابراز فدائکاری ذره تقاضا نموده اند، و در همچون موقع محامده ملی هم حفظ حقوق دول خارجه را از واجبات بنداشته بهیچ وجه در این مسئله هم کوتاهی و فرو گذاری ننکرده اند، و نمرات این مجامعات ظهور راه هم قریب بمشاهده دور و نزدیک خواهد رسید انشاء الله تعالی، با این همه بعضی محبه منافع شخص خود اهالی ایران را قابل مشروطیت ندانسته و پارلمان سابق را از فرق اختلاله قلم داده زحمت آنها را در انظار مردم پدید میدهند، و محبوریت ایران را با اصلاحات و مداخلات احبب شهرت داده عرض های شخصی ر آشکار می سازند، کلیه این خنایات و مهملات با حسابات و فطرت معروفه ایران ها غیر قابل تالیف است نظر بقایید مذهبی ایرانیها را حکومت ملی مقدم بر همه چیز است، و حسن بلند ایرانیان امروز مترم بندای بلیغ ذیل است.

در ایران استررار آسایش و دفع اختلال باطوره قانون اساسی، و خودی و اقتتاج پارلمان است، بجز این با هیچ قوه محکم و مسر نخواهد شد و دلایل مملع همین وقایع حال حاضر است، از جمله آنها یکی تبریز است که بنیاده دست ظلم و احتساف كافة امور نظمی و انضباط و معارف همومیه حساب الامکان درباره اصلاح و اعتدال آمده است، گذشته از حسابات دوستانه بیطرفانه دول هم حصار هر گوه حرکات و اقدامات اگر احرار شود بهیچ وجه از طرف ملت درجه قبول رسیده، و از آن اقدامات هر گوه خساراتی که وارد آید ملت ایران مسئول نخواهد شد.

مادامیکه پارلمان تعطیل است هر گوه استقرضیک بعمل بیاید از طرف ملت قبول نشده و تأدیبه او ر ملت دمه دار نخواهد بود.

ایرانیان متوجه باشند

اقدام می نویسند در عصرهای اخیره لستان معرض مداخله دوستانه اجاب وافع گردید، یعنی هر وقت که در لستان افتعاش ظهور میکرد دول آلمان اطرینی و روس مداخله میکردند تا آخر تقسیم آنها خانه راستقلال آن کشید، و حال آنکه لستانها باعتبار قومیت خلیل

مردمان شجاع بودند ، با ذکاوت بودند ، بمضائل گوما گون مالک بودند ، امروز هم در اروپا اشخاصی که از این قوم در وادی کالات نمیزداده میشوند ، حد و حساب اند ، پس بک همچون قوم مجیب را فضا نکرد مگر فاق که اسباب مداخله اجلی گردد .

اگرچه امروز حال ایران چه از حیثیت تاریخ چه جغرافیا و چه باعتبارات سابه مقایسه با حال لهستان میشود ، ولی با وجود همه ایها نه که مداخله اجلی همان تملک است فرقی ندارد ، آفت مداخله اجلی بر مملکتی که داخل شد بدون شبهه بادی فلاکت آن مملکت است

چطور شده شاه ایران این مهالک قریب را می بیند یا می بیند همدان در این مسلك مظلم قدم میزند ؟ ما اعتراف میکنیم در این مسئله مکشوف نشده قوامی هست که ابدأ ما میتوانیم حل بایم ، ما تصور میکنیم بعضی ضروریات ارقییل زیاد بودن طرفدار استبداد یا معاودة سری یکی از دول شاه را مقید دانسته است ، آیا در این صورت تکلیف حکمدار نیست که هر چه با او باد گفته طرف صرفه را گرفته صرف مساعی نماید ؟

اگر شاه در مقابل مستبدین و خارجه استناد بمجاهدین احرار کرده اقدامات جدی نماید تمام این مشکلات رفع میشود و بطور شاهانه مظهر و منصور میگردد رئیس چنین قوم بزرگی این حقائق بسیطه را چطور ادراک نمی کند در حیرت ؟

◀ جلالین ▶

در اینجا من میگویم هم نلم محترم ما خوب است این تصور زیاد یا بالساوی بودن طرفدار استبداد را ابدأ فرماید در میان طوائف ایرانی که تماماً مسلم هستند اگر بادعای اسلام باقی بماند ابدأ مستبد پیدا می شود ، بجهت آنکه اگر در ممالک دیگر ملت باس موطن خواهی و محبت قومیت مشروطیت را اخذ نمودند ایرانی ها گذشته و علاوه بر آن بر حسب امر مبارک حضرت حتی مرتب که میفرماید و مشاور هم فی لامر یارمان را یکی از لوازم و واجبات دین خود میدانند چنانکه از اول امر تا حال مجتهدین بزرگ که در محف اشرف و عنایات طالبات ساکن و امروز مرجع و محل تقلید عموم ایرانیان اند آن ساکت نشده ، حکم های صریح در وجوب مشروطیت فرموده ، کشته این راه مقدس را شهید و مقاتل را مجاهد حساب کرده اند در این صورت تمام ایرانیها که بر حسب تقاید ایشان بضروریات دین عمل میبایند عموماً مشروطه خواه و در ضد مستبدین اند ، مگر معدودی از ملحمه ها که دور شاه بجهت افراش شخصی خود شانس در این عهد میکنند

باز مینویسد - خواه با مداخله در اجابت یا طور دیگر اگر خدای نکرده مملکت ایران به خدمت دوچار شود ضرر همه باید بخود سلطان خواهد - مید ، اسفا که بلای جهل و حرص انتقام در سلاطین هم ، مثل آدم های اواسط الناس نمیکندارد حق را از مامل و نور را از ظلمت نمیزدهند و خود شارا یکسر پرتگاه ها سوق مینمایند

شخص ایامدار این حالت های ملات اشتغال ایران و مرا کو را که می بیند چطور میتواند خودش را از تأسف و تفکر نگاه بدارد ، هیجا از قوم ریک و فعال ظلم ایران که فوق الحد صاحب هنرم و اجتهاد هوه آنها در همین پای نخت حاضرند که در تجارت تمام ما نفوق دارد ، اهالی مرا کو هم مثل ایرانیها ذکی و شجاع اند باعتبار شخصیت این دو طایفه قابل همه گره نمیدند ولی کاملاً در کارهای اجتماعی دست ندارند ما خودمان هم مثل آنها بودیم و حال هم همین دلیل چیست ؟ جواب قدری مشکل است سفیده ما از آن روزانی که بضروریات متمدنه شرق افریب ما عبارت آخری ظلم اسلام از صارا جدا شد صارا معنی اتحاد و اتفاق را فهمیده در سایه این اجتماع رسیدند بجا ایکه باید برستند ، ولی ما از این قایده بهره برده روز بروز بنفاق افزوده کار باغیا کشیده است ، امیدواریم که ما مسلمانها هم ازین و بعد از نمره اتحاد قایده برده بتوانیم بعد از این اقلان قومیت خود ما را نگاه مداریم

◀ اخبارات مختلفه ایران ▶

۱ از رشت خبر میدهند که سردار اصم حاکم را دو نفر از اهل تبریز در لباس صربیه رفته در باغ مدبریه با گلوله تنگ کشته اند ، و صد نفر هم از اهل تبریز که در دروازه باغ بوده و بمقتد فرار و فرقی ها زده تقریباً یکصد نفر از آنها کشته شدند فقط یک نفر از مجاهدین که (ع) اداخته با پلوجه های (ع) خود شهید گشته - حضرت سپه دار اعظم آقایی صهرالسلطنه چهاردهم محرم وارد انزلی شده جهل فر مجاهد از رشت آمده ایشان را برشت برد

۲ در حوالی تبریز مجاهدین یکدفعه با اردوی صمد خان روبرو شده و نار و طارشان می سارند ، غیر لوبه این خبر را که می شنود ابدأ کک بصد خان میفرستند این مسئله طرفداران شاه را بهیجان بزرگ اداخته مستبدین میخواهند دولت آلمان و اطریش و ایتالیا و آمریکا را مدعی اصلاحات روس وانگلیس قرار بدهند از نیت دول تلافی خبر نداریم ولی دولت آمریکا جدا طرفدار اصلاحات روس وانگلیس است و بکنایه غریب و غنی

مقاصد آذربایجان
 و ندای آذربایجان بموم ولایات
 (مخروسة ایران)

سار اخبار اخیر و اطلاعات دخله که از طرف
 محاکم مخروسة رور روز میرسد این و ناله یکمست
 فلک زده از این ولایات و استغناء مظلومین در مطالبه
 حقوق مشروعه خویش با ولوایه و عد آسای توپا
 دشمنان حریت که در دودما های قدیم این دارالسلطنة
 قویم بسته شد الاخره کم کم حسن برادران مظلوم ماحر
 طارا در ولایات دور و نزدیک متأثر نموده و پس از
 هشت ماه جهاد حریت در آذربایجان و اردو کشی
 و صف آرائی و ریخته شدن خون بیگناهان در میان
 این حکامه کم کم در میان هموطنان ما که دست استبداد
 مارا از آنها بریده منتشر شده و ولایات ایران واحداً
 بعد از خری قوای خود را استرجاع کرده و مطالبه
 حقوق مفصولة ایران و ایران برخواستند و شروع
 به تعقیب همان صراط مستقیم که نگاه شاه را ملک دنیا
 در اخذ حقوق خویش بوده یعنی طریق مذاکراتی
 نموده اند

و البته همین طور خواهد شد چه که این آتش
 مقدس در این سر زمین که درها مشرق انوار تمدن
 بوده دیگر هیچوجه خاموش نخواهد شد و آریج
 هشت ماه گذشته آریجی که تفصیل قصص و وقایع
 عظیمه آن از قوه تحریر خارج بوده و در دو بیست
 سال اخیر نظیرش در این ملک دیده شده بود خود
 شهادی بر ریشه دوایدن این حسن اصلاح طلبی و
 آزادی خواهی است که مجال انکار برای تماشایچیان
 ظلم نمی گذارد

و به یقین ثابت شده که سکوت و سکون طاهری
 برادران دیگر ما در رو بجه استبداد نموده مگر از
 عدم آمادگی وسایل جهاد و برده شدن از هم دیگر
 پس حالا که بالاخره شورش مقدس در هر قفقه
 از قاع ایران ترویج شده و می شود و وسایل مجاربه
 و ارتباط دریاها موجود بیست امالت آذربایجان که
 در این راه پیش قدم بوده و خود را فدیة آزادی
 ایران نموده لازم میداند که به برادران مهربان اصفهان
 و گیلانی و تنگانی و خراسانی و سراسانی و شیرازی
 و مهابادی و کرمانشاهانی و لارستانی و الاخره طهرانی
 خود در این مدت باریک بینی نکته مهم را که باید قبله
 توجه همه اولاد وطن شود اعلام نماید و آن این است

و اعتناشانات استرآباد هم تمام شد مجاهدین علی الفلح
 محکومت حله رده آصفه را از وجود مستبدین پاک
 نمود

و حکومت های مجزور و در جزر روسیه فرار کردند ،
 چاک ترخس با مجاهدین دهوا کرده منلوب و اسیر
 شده است ، حکم کلات معلوم نیست کجاست

و دو فرسخی خوی مجاهدین با سمت الله خان
 ماکری حاکم صحت کرده منزوم و خود سمت الله خان
 را با خلیل از عساکرش کشته اند عدة قشور ماحکوم
 هزار نفر بوده است

و حوال این روز روز کسب و خامت میباشد ، و
 این اشتغال ناره اطراف محافل رسمی طهران را
 به تشریش اندخته ، حلو اعتناشانات را دولت بی بیج
 وجه نمیتواند بگیرد ،

و قوه مسلحی صمصام السلطنة مخفیاری از قوه
 کنونی شاه کمتر نیست ، ازین رو اگر قشور دواق
 باصفهان رود بشدت مقاله خواهد شد ، صمصام
 السلطنة عوض نسیم اسمهان نشاء مشغول استحکام
 شهر و حکم فرمان است ، و با عالی اصفهان یکصد هزار
 فرانک طالبات حوله داده ، امالی مع للمغنیبه اینوجه
 را پرداخته اند ، با این پول مشغول تدارک آذوقه شهر
 هستند ، صمصام السلطنة با صد سوار طرح سوار
 انگلیس ترتیب داده در نهایت درجه مکتبی و مسلح اند
 در اردوی وی چهارده توپ جدید الاختراع هم با
 مهابت زیاد حاضر است ، اردوی اصفهان در کمال حسارت
 و شوق منتظر ورود قشور طهران اند ، فرمانفرما حکم
 جدید که از طهران مأمور شده انداً نخواهد توانست
 شهر داخل شود

و در ماوراء بحر حضر و نزدیکهای خراسان هم
 اعتناشانات عظیمه ظهور نموده ، شهرهای آن
 سامان از طرف احراز ضبط و تصرف شده ، میان احرار
 آن طرف از امالی عبور و مسلح قفقاز هم زیاد است ،
 و میان طهران و همدان یکدسته دزد معتد
 های گرفته کاروان ها را حلت می نمایند این رو حال
 طهران هم خیلی وخیم تر شده است

و وزارت عدلیه و طلبه و معارف استعفا داده اند ،
 تشکیل کابینه تازه خیلی دشوار است ، اداره هودلیت
 وزارت عدلیه را طرز اروپا نظام الملک سپرده اند و
 حال آنکه نظام الملک ابدأ واقف وضع و رارنخای
 اروپا نیست ، این بحیران حاضره امید کلی است که
 بزودی مبدل بسکوت گردد

ایران چرا در حال انقلاب است ، خون اولاد ایران در راه چه مقصود مقدس متعدد مثل سیل جاری است ، قربانیهای مصوم که محبه و سرخیلافت مات محیب بود که گله فدای چه مقصد پاک و چه خیال عالی شده و میشوند ، تحمل ملیونها خسارات مالی و ربان رفیق هزاران دود مله های قدیم و قوس محترمه و غارت اموال و تعدی محاربین بر بومایس مسلمین مخاطر لدام نتیجه ابدی که ضامن مستقبل روشن و سعادت اخلاف است بود .

مهم ترین مواقع برای ختام این انقلاب تاریخی مخیر و حصول مقاصد هاما این موقع است که باید اردو های ملی در مقام عقد صلح با شرف مظفره ر پیشهاد آدن روگرامهای مختلف اجترار کرده و جنان بدانند که در پشت بن همه ر دو های هدیده ملک سپهسالار بزرگ که اسمش مات ایران است ایستاده که عهد نامه فتح و نصرت بنام وی باید امضا شود لذا با وجود وضوح و بدهت مقصد اعلی که در دل هر ایرانی سرگوز است اینک صدای بانگ که در فضای مابین هند و قفقاز و قاصه میان بحر خزر و خلیج فارس به عید مقاصد ثابت و عقاید راسخه ایرانی و آذربایجانی را بصوم همقدمان خود صلا مبرج . آذربایجان بد بخت برغم افتزات مرضین ه شرارت طلب است ه یاقبکر ، نه دهوی سلطنت دارد ه خیال استملال و اشکاک ، ه شور خونریزی در سر دارد ه هوای انتقام ، هط هنت ماه علی رؤس الاشهاد در هر فرصتی بدهیان خود و تمام عالم اعلام کرده که مقصود مقدس و مشوق کنگشته وسیله مشروطیت سلطنت ابد مدت ایران و کعبه محبوب وی دارالشورای ملی طهران و قاضی عدل و حکم رفع همه اختلافات همان کتاب مقدس قانون اساسی است که مشتمل برصد و بیجا و هشت ماده مورخه ۱۴ دیقمده ۱۳۲۴ و ۷۹ شوال ۱۳۲۵ که باهم مفاظه حفظ آن عهد نامه محکمه از طرف پادشاه و کافه رجال دوات تا رؤسای عشایر و افراد رعیت ضایات و نامین شده ، و جز احمای آن و اعاده حقوق منصوصه و تشکال دارالشورای کرای ملی با اختیارات نامه که همان قانون بدان میدهد بدلاوه وسیله ضمانت و حفظ آن کعبه ملی از دست برد حجاجهای رمان و دشمنان حریت ایران منظوری نداریم ، و به احد ناز ریده جوانان وطن و شهدای آزادی ملت از یکمعت پست فطرنان ارادل هم راقب بیستیم چه که های خون این شهداء مفاها همان برسئیده مات یعنی حریت و مشروطیت است و بس و حصول این مقاصد هست از جهاد حق و مدافعه سر بر نداشته سلاح حمایت ناموس خود را زمین نیکنداریم

و در همان روز مسعود که مقاصد حقه ما رسا اعلان و ضایات شد افراد رعیتیم و از جان شان دولت ابد مدت مشروطه ایران و مطیع قوانین ماده مملکتی که از دارالشورای ملی صادر میگردد والسلام اینست جمله آن مقاصد که باید شرایط و عهود صلح خاتمه این انقلاب عظیم شده و همه ولایات مملکت یک پروگرام متحد را تصیب نمایند

تکلیفات روتر راجع بایران

(۷۸ فروری)

مخبر روتر از بتوسبرگ خبر میدهد که مشروطیت رشت در استحکامات شهر کوشیده در حلقه راه روس بیمهای معدن و سرنگهای زمین تعیین می نمایند

جبل اللین

راه شوشه رشت تا طهران را کیانی روس تعمیر هوده ازین رو برای روس در تلگراف تغییر شده است (۵ مارچ)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که در تبریز بین قشون دولت و ملت هم روزه جنگ جاری است . قشون دولت بوم بجهت حسارت هوده در توحی شهر اخذ موقع کرده دهات اطراف را متصرف شدند . قشون ملی دو قایت غضب بر آنها حله رده سحت شکست داده جی را اسیر و یک توب را هم متصرف گشتند ، و چند مبل لشکریان دولت را عقب اشادند . قشون دولت تبریز را محاصره و قات خوراک محسوس می شود و بیماری هم در شهر سخت است

جبل اللین

نیدام غیرت مندان رنگور که وعده اطاه داده اند موقعی سخت تر از این راه ارامل و ایتم تبریز تصور کرده که دست قنوت محیب نکرده بوعده خویش وفا می نمایند

ای ایرانیان خبور بنما قسم خلیلی رحس مردمانی خواهم بود که درین موقع سحت از ایتم و ارامل شهدای برادران وطن خود دستگیری نکرده پوست بی حیثی بر جیره خود کشیده بخنال خویش در سایه تشریح آهم بر ضد احکام حضرات آیات الله رفع شرمساری از خود میبایم

(۷ مارچ)

نظر بسحق اطلاعات گیلان دولت روس هم (ستانیا) ۲۵ فر قزاقی ر محافظین فوسلخانه خود افزود است

جبل اللین

ماجلا باید دفع هیچ و سرچ را از مملکت هود تا پیش ازین بهاه بدست خارجه نیوفند ، و ناوقتی که پارلمان در طهران مازن شود دفع هیچ و سرچ خواهد شد

حبل المتین کلکتہ
مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Habibul Matine Office
Medical College St.
CALCUTTA

و کلا دمه دار ابو محبت مشترکین اند
(بدل اوبه اخبار پیشی گرفته میشود)

قیمت اشتراک
سالانه - - شش ماهه

نامه مقدسه

هند و برمه
۱۲ روپه - - ۷ روپه
اراز و افغانستان
۲۰ قران - - ۲۵ قران
عمان و مصر
۳ عیدی
روپا و چین

حبل المتین

کلیه امور ادارہ نا
مدیر کل مؤبد الاسلام است
هر دوشنبه طبع
و سه شنبه توزیع میشود
هر دوشنبه

غم و شادی ہم آمیخته

مرور ابراین عہد ہمیں کہ محل ملالت - ہمال
خود تالی می باشد تا مہسای نالم و نائف در بحر
غم و الم فرو میروند، چه از یکطرف میبگردند - حوشتن
بایمال، کعبہ آماشان کہ عبارت از مجلس ملی باشد حراب،
کفر کرنل مشاق روسی یا ماصطلاح ابران سرحدگ در
مملکتشان حکمران و فرماںبرای معاق، حو بان حرارت
خواهشان در خاک و خون طپیده، غہای دانی آنها مجلس
و طرد محکوم شدہ، دامایان و باطنین شان را در عل
و رنجبر کشیدہ دودست اسددار یکی نام شرع و دیگری
اسم حرف جہان آنها را گرفته، تاکہ سہسای آحاد
ا ر پشت بستہ سب اقتدار ملی - کر، عصب
جمع حقوق سلطنتی شان را عمودہ، اسم سہرغ تبشہ ر
یشہ شریعت رده، و نام تعدیل سراج مملکت لک و
مات را ہلاک و ویرانی انداختہ، معاف را باہمال، و
مدرس، برن، حرید را مجموع، و اوب محارب
حرطرف بروشان بستہ، تا جائزہ اعالی این شہر از
آن سہر و مردمان این محل از آن عمل اطلاع ندارد،
عظ حقوق کفر، وسع و آلت و - و ت خلافت شرع،
ہم ہیشان طرب، ہہ الشان عارت، بحرین براد،
اعتشان باہمال، شہر ہایشن و برن، و طرق و شوارع
- ن نا ان، امدت عالی و عالی از جمع طببات مسلوب،
سروسر خلافت شرع و سالی تا مزاج مملکت گہ، ولی
مرگوبہ طلا و سہم و امر و رتقہ کہ از طرف مقصدین
مور صادر، سو عین دبداری و ملک آرائی حلوہ
دہد، ہمہ گہ احصاف و محکم - خارجہ را بر خود
کہ ارا کردہ و دلخوش زین مد کہ بر رقبہ یک متب
رطایب ملک رده کہ و دایع خود مدی و محای فرزندان
بولند سوار، و برگردن آرزوی شہوانی و حیوانی

بیش راگ آند، برای اسکہ حقوق یک مات را
- اند تاہمال ہہ د بشون - حرحہ را دعوت کردہ لک
- صہ ہمدہ مملکت را حاضر می شود تا ہما بہ بخشند، و
قول در باران ہ قطعہ غیرت خیز آدرناہمان را ط د
عصہ - مافلوسی باید از جسم ابران قطع کرد تا غیرت و
حوق طی اعالی آن - ہمدہ شجاعت خیز مردمان سار
صو محبت اراں سر - ہ باید ہ
نجا از عہدات مات، از بی حسی ملت، از رویانی
مات، از ہمہی و سہالت مات، از عاق و شق و
مات، از بی - ہی و حوق تا شناسی ملت، کہ لک
مشت دولین مسند گردیدہ کہ بی ملت بی حسی
طند چارباہان محارحہ رہن گذرد ہ و قہ ہ و شہ
و حہ آن، و صرف سرلونی عربستان آد مایخار کہند
مداید بچہ شرط، شرانہیکہ بی از آنها برای
شہ، و اضہلال - ہلال بن ساطب شہز ر - ہ
کالی تصور می شود، و آن این است کہ مود باعہ ماہ
ہام عت نکری ہاسدگان دواہن ہمابہ قرار گرد
ہرس کہ واقف ہو تف سیاست ست مداند کہ ہہ
بن یک شرط برای سلب حقوق سہلایہ لک ساطنہ
کالی بود بود، ظاہر است کہ ہ ملاحظہ این حالا
حور از چشم غیرمندان ابران بیرون می آید و د
بحر غم و الم فرو میروند
از طرف دیگر ملاحظہ میکنند کہ در چین
دورگاری رادر ہنہایشان یا دلی شاد و قالی ظہر
بان کومان و اقب دمان دست احساد بیکدیگر دہد،
دولت و مات جون شیر و شکر ہم آہیختہ، مساہبین
و مدبذبین را در بین برداشتہ، ساطان ہنگاہ فرزندہ
برطایب خویش نظر میکند، رطایب ساطان خود را پدر مہرمار
داستہ، تا کجا نشانت ما حضور اہلیحضرت ساطی

با مل و محس ملی خود افتتاح می نمایند ، از طرف سلطان مطلق افتتاحی پارلمان قرائت می شود مات صداها را زنده با سلطان ، یازده ماد حریت و مساوات داده غنایه در سطح کرده می افکندند

مسلم است که ایرانیان از خود شوقی راداران عیالی خود شوق و بیسر - آمار ، مسرور میگردند ، تا بدین واقعات ساد می آورد حالات دو سال گذشته آمار ، زمان مظفرالدین شاه راه و ملک مجراحت آنها می باشد ، ولی بدینک می رسد ، و دعا میکنند که خود مشروطه راداران عیالی سار از کزنده احد مصر و محظ درد ، و بی امنیت سلامی را بری مسلمان باقی ندرد ، چه صر ارد که ما دعا کرده بارش به آستان باریده باشد ، آنها نیز راداران ما آنها هم غمخوار و تسلیمت گوی ما ، یا الله تو صبری بغیر عین برنده که نزدیک است جگرها بشار زهم ملاحظی گردد ظاهر است که درین موقع حقیقت غم شادی هم آمنتی در و حجاب بر این بودار است ، هج رحمان و صریب دور نیست ، یک سلطان از کیسه قوت خود صرف تمسیر مهارت پارلمان میباشد ، یک پادشاه بقوت و تأیید اجانب عمارت یا مالک ملت را بضرب توب با حاک یکسان میسازد ، یک سلطان حقیقت مشروطیت را با روح اسلام موافق میگوید ، و جمیع روحانیان که بقوی میبایند ، یک پادشاه مشروطیت را مخالف با شرع حدی گفته ، قوت رشوت علماء سوء را حامی حالات ماطه خویش می سازد

نگارنده که تا درجه از سیلان بلاایمی میبیه و فب ، و از دوران سیاسیات بی اطلاع نیستم با یک ذوق طبیعی ، و اطمینان وجدانی ، هموطنان غیور خود را بمشراه اطلاع میدهم که ابق سیاست ایران روشن و شتابت پیش آمد ایرانیان بنور است

(چنین باشد و چنین نیزم نخواهد ماند)

ایرانیان راست که پای ر حاده اعتدال بیرون نگذارده ، و از حقوق طای باز نایستند ، یاس و حرمان را از خود دور نمایند ، سستی و تبدیلی ، بی غرض و بیست همی را بدور اندازند ، واقف مناصات وقت شده بی قابل فرصت را غلبت دانسته برانگاز دست دهند ، مدکی در جهان جنوب و شمال و مغرب و مشرق وطن خویش تأمل نمایند ، و به پند که مشور آذ نا بجان تحت فرمان سپسالار ملی (ستارخان) چگونه مانند سیل بجات طهران سرایش میشود ، و نگرند باوضاع خراسان که بطور کسب اهمیت کرده ، چه شور و خروشی بر سر اهالی آن خطه پاك آمده ، و چگونه با اقدامات دلیرانه قدم جلالت در میدان مبارزت گذارده اند ، و ملاحظه

کنند که حجت الاسلام آقا سید عبدالحسین در لار و سبحات چگونه بیری نصر من الله و فتح قریب را باند کرده ، در تحت احکام حضرات آیات الله نجف اشرف چگونه ملت را با حقائق حقوق خویش بر خیز داده ، و بدقت نگردد که چگونه ایران یک قطعه آتش شده و حرکات مستبدین بطور ساعت ساعت بر این بران خوده دامن بز - و ادا ملتفت نیستند بلکه فرداست این آتش ظالم سور دو سان آنها را خاکستر نماید ، حریمهای نگفتنی بسار و ، طالبی که فهمش بسته مذاق دایان ملت میباشد پیشتر است

آیا گر پادشاه پارلمان میدهد ربع این اعلانات می شود ؟ خیر ، چه بن حور هرگز با مشروطیت و پارلمان هم ، نخواهد شد ، و این نکه مصدقه جمیع ساسیون است ، چنانچه درین مدت ذکرش تمام همراهی با مشروطیت ، فکرش قابل در بر مزر این اس میس بو ، حق از یکطرف اعلان نسخ مشروطیت و احوال ابدی یا لمان میدهد ، ر طرف دیگر دهری دل سر تا پا هم ای خویش را با مشروطیت ظاهر میداد ، و آنچه دمای شکم پرست را مانع جلوه میدهد این دو میتون که ، یا لمایک این جوان بدهد حز و زونی افشنشاش ملک هیچ نتیجه نمیشد ، چنانچه در هر صه دو ساله بخشد و محال است ملت بقوی و دل این جوان اطمینان حاصل یابد

آیا گر پادشاه را ناستبداد اختیار نمیشد ربع بن اقلات مروزی را نواندمود ؟ حاشا و کلا ، در سوت اهلی ایران را تا امروز دو علت قوی بود ، اوله مواعید هر قوی خود شاه در اعطای مشروطیت ، افتتاح پارلمان ، مات تا اینکه هزار ما خلف عهد از اید ، بود تا آخر درجه صبر و تحمل نمود ، و جمیع مواعید خلاف واقع آن را بانتهای رسید ، این علت ، شه از بارهای آخری خود مرتفع دانست ، اینک حق رسیمان عز روشن شد که شاه با اختیار خود مجلس ، مشروطه نخواهد داد ،

دومین علت سکوت ملت هاما مواعید شاه بنایندگان دل ، و اطمینان نایندگان دول هلات بود ، این علت هنوز تا درجه اسباب یاس مات نشده ، و هرگاه این علت هم مرتفع شود آنوقت دیده خواهد شد که در جمیع نقاط و در شش جهت مملکت ایران جنگهای خانگی شده و خواهد گردید ، و هرچ و هرچ بدرجه بالا خواهد گرفت که احدی از داخله و خارجه بال و جان خود این نباشد ، و سالها نتوان با هیچ قوه قاهره رفع آن هرچ و هرچ را نمود

امروز رفع اقلات ایران منحصر درین است که

جواب سپهسالار ملی حضرت ستارخان

(نامر بهادر جنگ سپهسالار شاه)

(۲۸ تیر ۱۳۲۶)

طهران، حضرت اشرف سپهسالار اعظم - تلگراف مشوقانه حضرت اشرف عالی رسید، تشکر از نصیحت پدراهِ گردیدم، سمت جاگری و نمک جاری شده و بدرام را شایسته و تحت سلطنت ایران تصدیق فرود آمد، مزید بر افتخار گردید، اینک نیز از روی عامه خاص جز جاگری و خدمت هیچ، تحت سلطنت ایران منظوری نداشته و ندارم.

اینکه جنگ تبریز نزع علی حضورم با ک قلم داد کرده بد روی اشتباه کاری بوده، مناقشه ملت آذربایجان از آثار تا کنون حقوقی بوده، و اینک نیز حقوقی است، ابتدا بیسایات و مخالفتی ملت دولت ندارد، جا کرده ام که از همین سرود حقوقی مقصود است، من سزود نمود هیچ گونه مخالفتی در تمام صده آذربایجان را ملت باقی نماند.

مرحمت مخصوص ات اقدس شاهانه ارواحنا فدا را در حق جاگیر وعده فرموده اند، عقیده جاگیر خوب است مرحه، هائی را عمومی فرمایند، منی در حق جمیع دولت مارتع کلامه مناقشات نشود، ورنه فرصاً هم صادر بود بهار می آید، و نتیجه مطلوبه حاصل نمیکرد.

اینکه شماره حقوق سلطنت فرموده اند جاگیر هرگز انکار این معنی نداشته و ندارم، و یقین است حضرت عالی هم تصدیق دارند که پاس حقوق مذهب را هر علم مقدم است نسبت به پاس حقوق سلطنت، حضرت عالی گویا از مفاد احکام حسرات آیات الله عرف اشرف مدظلالهم که نواب امام عجل فرجه و معتدات جاگیر و حضرت عالی بلکه دت اقدس شهر یا یاره حساباً جدا میباشند مسبوق هستید، ورنه با آن حاصل پسندیده دیانت و عدس که در حضرتت سراغ دام، هرگز کان نمی نمایم که جا کرد را ترک این عاهدات سر میفرمائید.

اینکه فرموده اند اگر خوف از آمدن طهران دارم، در محل خود رفته بضابطی املاک و ریاست سواران خاصه هاجری ارواحنا فدا مشغول گردم، حضرت عالی بهتر میدید که نسبت خوف دادت آسم در طریق عاهدات مدعی و حقوق ملی که متوای دشواریان دین در شمار شهد و عاهدین فی سبیل الله محسوب اند بالاین جهت است بیگرو خاندان جاگیر، چه ترک مال و ترک جان در اول وهله گفته درین میدان متحان دیانت شعاری قدم گذرده ام، به تنها بنده بلکه تمام ملت آذربایجان آرزویشان آمدن بطهران و پاسپاس

با يك فوج قاهره ملیه یارلمان قائم و بهان قوت قاهره در جمیع ایران املیت برقرار گردد نمایند و هر قدر این امر زودتر بشود صلاح ملک و ملت است و هر قدر دیر شود هرج و مرج و انقلاب بیش خواهد شد و در امتداد انقلاب خوف دست اندازی خارجه نامم محافظه مال و جان رعایا دامن گیر است.

عوجب خبرهای خصوصی پیش آمد شوق نالت برای این حسی لایع است، و گویا عنقریب عوقع خواهد آید، و این امر به محقق پیوسته که بهسالار ملی حضرت ستارخان رحمت اسر محسن ایالتی تبریز تداکات لازمه برای حله، طهران می بیند، و در قابل زمان و تهاتر آ ایجان امضا داشته بلکه هم را متفق الکلمه نمود است، و از جانب انجمن حکومت و مرجع گذارده، و از تلگرافیک بین معظمه و سپهسالار شاه امیر بهادر، و در بدل شده این مکتون مخونی مترج - تلگراف، مذکور است، حسب دلیل است.

تلگراف امیر بهادر سپهسالار شاه

ستارخان سپهسالار ملی

(۲۷ تیر ۱۳۲۶)

مسمدالسلطان است - نظر بساطت و وسق له ما بدان شما داشته، نیز در می ولو بیداشد که ما خاندان شاهست، باطمینان صداق خاوردی شخصاً و مستقیماً بشما تلگراف می نمایم.

شما نیز در بدر خدمت بساطت برده، و همکوهار، و نولر صادق جانفشا دولت بوده اند، هرگز نرسد، انکم حقوق شخصی سلطنت را فراموش کرده، نمانید، تا کنون حکایت شما مخالف ادوات شناخته می شد، چه نزع علی بود، و مناقشات اطنی با رحم خان را هات، از ممدادیم، اینک که رحم عالی درین نیست، و نزع علی منجر به مخالفت ملت با دولت شده شایسته عید، یک امی طایفه کی را تبریل به بدنامی شخصی باید، و خصوصاً چند بوبت که در پیشگاه اقدس هاجری و اح المسالین له القدر محبت درمیان آمده، عرض کرده ام، قرآن، نزع علی و مخالفت با دولت تصور می شود، اینک موقع هیچ عذر تراشی برای این جانب باقی نمانده، لذا عبوراً باین تلگراف بهساعت شد، شما بحیثیت مقام مدع سپهسالاری از جانب حق العبادت اقدس شهریاری ارواح العالمین فرما اطمینان داده خودم ذمه بیگیرم که هرگونه سراسم طسرواه بطریق مخصوص در حق شما میندول آید، و اگر خوف از آمدن بطهران هستی در محل خود رفته فرمان بضابطی کل املاک و ریاست سواران شخصی هاجری ارواح العالمین فدا را تلگرافاً برای شما صادر نمایم (سپهسالار)

قوانین اساسی سلطنت شیعه است. اینک که حضرت عالی هم دعوت فرموده مزید بر قوت قلب و شرف و اقتضای شده از تو یک اشاره از ما پس درودین (خادم مات ستار)

حجرتی ترجه روزنامه صباح

{ منطبه اسلامبول مورخه ۶ ذیحده ۱۳۲۶ }
 بر حسب تلگرافیه از تبریز به پترسبرگ رسیده بدستیاوی مهندسین مقتدر عالم در اطراف شهر تبریز قلاع جنگی متین استوار می شود و به حسب قرار داد اخیراً انجمن ایالتی هرگاه هوا مساعد باشد اردوی ملی آذربایجان برش اطهران خواهند برد. و این لشکر مرکب خواهد بود از یک اردوی سیسی حسابی از مشروطین غیور و فداکاران ملت و مخصوصاً طبایع پهلای ملی جناب ستار خان و سواران قرچه دانی هم ماموق این اردو خواهند بود. و انجمن ایالتی مشغول تهیه و تدارک مسافرت و لوازمات این اردو میباشد

تلگرافات روتر راجع بایران

شاه اعضای (فرسول آف استیت) شورا ایسی درباری را بجهت فر قرار داده و موعده خدمت آن دو سال مقرر گردیده است

حیدرآباد

بها ادله که در شماره های گذشته بیان نمودیم. هم این مجلس خیلی کوتاه و کمتر از دو سالی است که شاه بر قرار داشته

ایضا

سفرای دولتمن روس و انگلیس رساه یاد داشتی بشاه پیش نموده و تصریح کرده اند که این مجلس درباری (فرسول آف استیت) موید شاه را در خصوص افتتاح مجلس ملی تکمیل نتواند کرد

حیدرآباد

جنابچه سابق نوشته ایم رحمت و خسارات دولت و دولتمندان در ابطال مشروطیت رسمی ایران تمام بهدر روت. سفرای جمیع دول بدون استثناء بروقت کرده و ابطال مشروطیت رسمی ایران را رد کرده اند. ولی در اجرای قوانین مشروطیت ایرانیان نباید نامید اجازت باشند. چه تصرف اجازت در موضوع بر فرض امکان مضر مادی و معنوی برای ایران دارد. ایرانیان همیشه در روی افسان هستند و مخصوصاً از دولتمن روس و انگلیس متشکر باشند در امور داخله ایران هیچگونه تصرف نمی نمایند. انتظام امور داخلی ایران بسته با اقدامات مجده ایرانیان است. فقط همین قدر ملاحظه نمایند که بمقوق رعایای خارجه تجاوز نشود. برخی تلگرافات را مستبدین خصوصاً پانگدگ

دوات در پای نخبهای خارجه از روی پلتیک محض مرعوب داشتن و سلوگیری اراقدامات مجده ملت اشاعت مدهند. واقفان رموز نیکو میدانند که اشاعه این گونه تلگرافات بذرایع مختلفه از روتر گرفته تا برسد بوقایع نگارانی خاصه جراید چه قدر سهل است. مرکز مجده این اشاعات جملیهوا پترسبرگ قرار داده و روس را بمبال خودشان مترس مات ساخته اند و ما تشریح این نکته و کشف این پلتیکات را در آیه خواهم نمود فعلاً همین قدر ملت اطمینان میدهم که خارجه هیچگونه تصرفی در امور داخله ما ندارند. ملت با اطمینان خاطر مشغول انجام اصلاحات مایک خویش باشند

ایضا

(۲۶ ذیحده - ۲۱ دسمبر)

وقایع نگار مخصوص اخبار (رچ) از طهران به پترسبرگ واقعات جنگ (۲۹ نومبر - ۴ ذیحده) که در خارج تبریز بین اردوی دولت و مشروطین واقع شده تلگرافاً خبر میدهد. که درین جنگ از طرفین ده هزار نفر قتل رسیده. و قشون دولت بکدغه شکست خورده و کلاً منتشر شده است در میان کشتگان مشروطین نهش شصت و هفت زن ظاهراً شده که در لباس مردان تحت سلاح آمده دفاع از مستبدین و حفظ حقوق وطنیه خویش می نموده اند

حیدرآباد

چک این زبان غیور مردانه بر سر آن مردان بی غیرت زن صفت باد که تا این درجه فشار استبداد را برای دو روزه زندگی ننگین خود قبول نموده بدعوی بی چارهگی میخواهند که بی غیرتی را از خود زائل نمایند ای ایرانیان غیور خارجه و داخله عبرت گیرید و بوجد چنین خواهران غیور وطن بیاید. بخدا قسم تاریخ هیچ ملت غیور این گونه حسب لوطی را در هیچ قوم نشان نمیدهد. آیا هنوز هم موقع آن رسیده که سایر ایرانیان با برادران و خواهران آذربایجانی خود که شرف ملی ایران را قائم داشته هم آواز شوند؟ ای اهالی جنوب که خاک مرگ رویتان پاشیده شده ای بخاری حسن موشر و شیراز گیرم که مردانگی شما ماداره زنان آذربایجان هم نیست. آخترجه چیز مانع است شما را از اطاعت بحصیت زدگان تبریز؟ خداوند این گونه فرزندان ننگین را بهیچ مادر وطنی کرامت نفرماید این واقعه دال است بر آنچه ما بارها ذکر کرده ایم که این ملت غیور هرگز زیر محنت نخواهد شد. و دول خارجه هیچوقت بر حقوق چنین قوم زندگ دست تصرف در از نتوانند کرد. و نخواهند کرد طاراست که مرعوب هیچ دولت خارجی نشده در حفظ حقوق مایه و وطنیه خود گوشان باشیم

کفر در لباس اسلام

نقل يك از اوراق مطبوعه تبریز

خداوند عالم خاك ايران و اهل ايران را براي چه آفریده است ؟

از برای اینکه بچند فر الواد بیدین خوش بگذرد اسم مبارك ابن الواد چیست . . . ؟
اسمی اینها را فرداً فرد بروی کاغذ آوردن چه لزومی دارد ، البته هیچ بهره زنی در زیر آسمان ایران پیدا نمیشود که معرفت کامل در حق آنها نداشته باشد ، این اولیای شریف بجه هنر صاحب این حق شده اند ؟

به هنر ای که ایران را فقیر تر و ذلیلتر و حراب تر از هر نقطه زمین ساخته اند
از برای پیشرفت جنان مأموریت مقدس باید صاحب چه فضایل باشند ؟

اولا باید از هیچ نوع روانی ادا خجالت نکشند و از روی صدق و ایمان دشمن معرفت و مروج منتهای بشری باشند ، و همچنان باید در این ملک هر چه آدم آبرومند و صاحب شعور هست همه را بدنام و منکوب و بهر قسم شانهت تا بهر جا تعاقب نمایند . و چون کله نظم ، عدالت یا حریت رای رونق این وضع مبارك سم قاتل است باید هر کس اسم اینها را بزبان بیاورد او را بناموس ، کافر ، خاین ملت و واجب القتل بدانند

و چند سطر فوق را که یکی از افضل این قرن بحکم يك الهام آسمانی در نوشتهجات خود آورده است قدی که حافظه ما یارانی کرد در ایجابیت کریم - و حالا میخواهم از روی عقل و وحدت خود اوضاع خاربه ایران و مخصوصه تبریز را با مدلول این کلمات تطبیق نمایم

بلی ! این اولیای شریف رای تمامیت انجام ، مقاصد خود میگویند ، در ایران هر چه آبرومند و صاحب شعور هست همه را باید بدنام ، منکوب و بهر قسم شانهت تا بهر جا تعاقب نمود .

اصل روح بدبختی ما در اینجا است در صورتیکه تمام امید و کل آمال ما منحصر باین است که اصلاح حال وطنی اسباب خرابی ممالک اسلام فقط و فقط منحصر

باحکام جلیله عالمه راشدین و چشم نجات مان دوخته بیک جنبش مصای آنها است ، باز بحکم يك قدیر آسمانی دیده میشود که در هر گوشه و کناری جبهه حسته مردطی پیدا میشوند که بیک جنبش بر غیرتی برخلاف وظایف مصوبه خود جرخ ترقی يك ملت ناره بیدر شده را فرسخها از خط حرکت خود عقب می کشند در صورتیکه لارمه ندین و حق ریدگان این دنیا بیک ملتی را در طلب حقوق خود تا بهر جا همسراه کرده است باز بیک شیطان متمرد بداعیه اعلائی نام مسلمانان از يك گوشه رخاسه و مجای آنکه هم خود را مصروف بنشر مبادی طالبه و تربیه روحیه آنها نماید بایک عاصب حقوق مسلمانان هم عهد میشود که در ایران آتش در جان و مال و ناموس پیست مملون حلق خدا روشن کند که نور توحید جلو استقبال آنها را منور ساخته است .

در موقعیکه حس شهوت آل قاجار و دربارین آنها در خانواده های این ملک نفوذ میکرد و از میان طائفه های مسلمانان که حسن علما نیز در میان ایشان داخل بود برای آن آفتمای نوع بشر کلهای حادار بارمغان فرستاده میشد ، من نهیدام

چرا این بحر ذخار مسلمانان مجوش و طروش نیامد ؟
چرا همیشه مردم خواستند فهمند که مسجدی قار بازمی و میوه فروشی و خانه ملا عالس عدالت اعظم نمی تواند بشود طایفه قراض اسلام خاطر نذلان حصرات گردید ؟

شایدم از حجة الاسلام عصر پرسیده اند که عصب تسمیه و انتخاب محل (مجلس اسلامی) متصم - حکمتی بوده است ؟ حضرت آقا باین عنوانات حکیمه نقل از دوج اسلامیت خود برگشوده اند

اگر ما میخواهیم در تمام این شهر یکوح زمین يك باستانی دو محله شتریان و سرخاب بجهت مس لوان مسلمانان پیدا کنیم غیر مقدور بود ، محله اینکه مجتهد خود دیده می بینیم که علام آخر الزمان و استیلای کفر از هر قبیل که تصور بشود در جهات متقابل (مجلس اسلامی) برپا و نمودار است ، هر چه این ، بیدین ، لامذهب ، گروه لایفلمون ، فرنگی ، ارنی ، میخانه ، کرک ، تذکره ، پست ، مکتب ، قونسلخانه .

مطبعه ، جراحیهای کارکن ، ماشینهای جدید الاحداث ،
 مطازه ، تافون ، کلیسا ، آباء خارجه ، تأسیسات بدهیه ،
 میخانه ، روزنامه ، فرنگی تاب ، اداره نظمیة ،
 عدلیه ، . . . الخ وغیره بود همه در آنطرف رود
 میدان جای واقع شده بود ، واقفاً ما اگر این ارض
 اقدس محط رجال خود قرار میدادیم چه میکردیم ؟
 حالاً هم بطوریکه برای العین می بینید منشاء تمام مساجد و
 هرزگی و آنچه که برخلاف مقررات شرع مطاع
 است ها ، امکاناً صاف است و بس . یکی از بزرگان
 ما فرموده اند (لا تنظر الی من قال بل انظر الی ما
 قال) و اگر يك عقل کافی درست در معنی این حکم
 جلیل اندکی تامل شود می فهمد که يك حجة الاسلام
 کیچ فهم هر قدر هم کان فضیلت بوده باشد بحکم کوری
 وجدان ممکن است حرفی نزد که موجب خنده مؤمن
 و کافر گردد ، گذشته از این هر عوامی بطور و وضوح
 میتواند ملتفت بشود که این کف لارامل در این
 فرمایشات خود چه حکمتی بکار برده است .

در صورتیکه هر يك از فحول علماء حقه که
 ارکان دین مبین و ناظر امور مسلمین هستند الا
 یست من مرکب که هر قطره اش با خون شهیدی
 مقابل و باک افضل است از افلام مبارکه خود درباره
 تشدید قوت امر مشروطیت روی کافد ها ریخته اند
 و اوشیدن و بر باد داشتن مجلس شوری ملی را ردیف
 جهاد در رکاب امام عصر عجل الله فرجه قرار داده
 اند ، باز می بینم این ملای نمرود سیرت و یا این نمرود
 ملا سفت در اهدار دماء مسلمین باین خرافات فوق
 تمسک مجوید ، و تمام این آثار عرافت و موجبات
 سعادت و روابط سیاسی را که همه در حکم ارکان ناگزیر
 عالم مدیت هستند و حسب یستی ذات و بحکم شرافت
 جنون موجبات خراب اسلام و علائم کفر و الحساد
 می بتدارد

اهل مملکت ما در صد سال بعد بدرستی خواهند
 فهمید که این مذهب اسلامی و این مبرغضب نوع در عهدی
 که با شاه است چه آفتی در این ملک افروخت و
 حقوق مقدس ملت را بچه قبیح ترین وضعی بدست
 حشرات بی ناموس هدر ساخت
 يك طالبی که مکتب ، روزنامه ، مطبعه را در

شمار مؤسسات ضد اسلامی قلم داد کند ، و حکم
 تکفیر یکشهر بزرگ را در یک دقیقه صادر نماید در امر
 اعلای اسم دین معاویین و شرکاء خود را باید
 از میدان پیغمبران و اولیا انتخاب نماید ، نه اینکه هر دم
 سجده بخاکبای امثال رحم خان و شجاع نظام و
 سواران قره داغ برده هر لحظه صد بوسه اخلاص
 بر دهان بلید شراب آلوده عسکرگوش برده و
 اعوان او زده آنها را اسداقه و اسد رسوله نام
 گذارد

در صورتیکه خط جریان رود میدان جای حد
 قاصل مابین کفر و مسلمانی فرض شود در
 ماورای این رودخانه که مقر اسلامیت است باید بکقدم
 برخلاف آئین مسلمانی برداشته نشود و ما می بلیم
 دست با رکت آقا در عمده شرف واسطه تداول
 نوامیس مسلمانان است در میان سواره های قره چه
 دانی

و باز ما هزار خنده و حیرت هزار چیزهای
 دیگر می بینیم که شرف جنده های فرنگستان هم
 از قبول تنگ آن افعال دارد ، مثلاً می بینیم که
 حیواناتی که از این طرف بیخون اسیری می دزدند
 هر کدام که بحکم حدائت سن قابل نظر و توجسی
 هستند امر قصاص با پذیرائی آنها را محول بحس
 حیوانات شیر شیران خدا یعنی فتح الله آسیابان
 میفرمایند آه آه ای قلب آرام باش؟ ای
 قلم یاری کن ، تا این صه را پایان بریم

و باز می بینیم بواسطه صعوبت عبور و نفوذ
 در میخانه جوف کار نوشا نوش بر تازیان اسلام
 قدری مشکل میشود بکار مثل شران مست هجوم
 آورده هر مکانی را که احتمال بودن مشروب در او
 میرود نهب و غارت نموده در و دیوار او را آتش
 میزنند .

و باز می بینیم که بعد از صد سال حسرت و
 خون دل هیلکه ملت فلک کرده تبریز دارای يك مطبعه
 که چاره اساس دردهای بی درمان ملتی است میشوند
 بعضی اینکه عمل بودن مطبعه در منطقه تسخیر تازیان
 اسلامی داخل میشود بدون تأخیر و تأمل جراحیهای
 او را شکسته حرروقات و سایر ملزومات آنها

گداخته از از دله هاسیبه آشبار توب همه را
بشکل کارله بخانه های ما بر میگردداند

اگر حقیقت اسلام در جهان اینست ،
هزار خنده کفر است بر مسلمانان .

ماریه اگر بخوایم آنچه خدمت شایسته از
این عالم ربانی نسبت مخزای این مملکت شده است
مومنین در ایستقامت بکنجای البته ممکن نشود ، ولی بهرور
امید است که شرح آنها را متسلسلاً عرض میتوانم
برسانم .

مختصر این است که این حضرت میگوشند با باید
ایران و تمام اعمال آن میراث بالاستحقاق ما بود .
باشد تا در مال و جان اهل آن هر درجه از نامردی
که خود میخواهیم تصرف نمایم و با اینکه سر تاسر
این مملکت را به هر قسم شقاوت آتش رده طراوت
از قبرستان پیروها خواهم کرد .

حالا انتخاب هر يك از این دو ترتیب بسته
بفیرت و ایمان هر فدوی است که میخواهد بعد از
این در زمین ایران حق زندگان داشته باشد

خبر اخبارات خارجه

§ دبروز در (رستبک) برس (بولو) اظهار
داشت که خواهش وی اینست که سلطنت مشروطه ترکی
ترقی در امور پلتنکی باید . حل مسائل (بلهار)
را دولت (آلمان) مفوض به آن دول میتواند نمود
که اغراض شان متعلق با آنهاست . و شکی در متحد
بودن آلمان و آستریا نیست و (مسیو اسوالسکی)
سرحتاً اظهار داشته که دولتین روس و انگلیس
هیچگونه اقداماتی برخلاف آلمان نموده اند .
گذشت موقتی که بین دولین ایتالیا و آستریا حاصل
شده رودی رفع خواهد شد چه در بین ما اتفاق بهبودی
جبهه ایستله منظر می آید . در خصوص عهد نامه
که بین دولین ژاپون و امریکا شده پرس بولو
افاق خود را طاهر نمود ، چه آن عهد نامه موافق
است با رأی دولت آلمان . و در خصوص مشرق
انصی عهد نامه که در سنه ۱۹۰۰ بین دولین آلمان
و انگلیس بسته شده مطابق است و ژاپون هم
آنرا قبول کرد . در ختم کلام برس مزبور اظهار
داشت که جبهه قیام املیت در (بلقان) سعی و جاهد

خواهد بود .

§ (مارکوبس بالویسی) سفیر دولت (آستریا)
مقیم اسلامبول رئیس الوزرای عثمانی اظهار داشته که همینکه
حکم ترك استعمال اجناس (آستریا) ظاهر شود دولت
(آستریا) جبهه تصفیة مسئله (بوسینا و هرزیگووینا)
تحریک پیش خواهد کرد . رئیس الوزرا جواب داد
که همینکه تحریکات آستریا معلوم شود ترك استعمال اجناس
(آستریا) منسوخ خواهد شد .

§ (مستر مکلین) در مجلس شورای ملی در جواب
سائل اظهار داشته که دولت انگلیس تکاور الحاق
(کانگو) را منظور نکرده . دولت (بلژیک) درباره
(کانگو) بموجب عهدنامه (برلن) وعده کرده
عمل نماید . بموجب این قانون جمیع دول را حق تجارت
آراده در آنجا حاصل است (سرادوردگری) در پناه
دادن باشندگان آنجا سعی است

§ از ۱۵ دسامبر مجلس شورای ملی انگلستان تعطیل
خواهد شد (لاردگری) اظهار داشته که در دوشنبه
(لا طاری) درباره انتظام هند تقریر خواهد نمود
§ (دوما) روس مسوده قانون دولت را درباره
اسداد بندرگاه های آزاد (آمور و ترس بیگال)
منظور نموده . محرکین قانون مذکور اظهار داشتند
که مسدود شدن این سادر لازم است تا که آن بنادر
را دول خارجه پناه گاه و مخبر مسخر سازند

§ در (ویا) میگوشند جواب خط دولت روس
از طرف دولت (آستریا) در خصوص کافراس دول
بتاریخ هشتم ماه جاری فرستاده شده و از آن خط
ظاهری می شود که محاره جاری خواهد بود

§ بموجب خبری که از (وشنگتن) رسیده ظاهر
می شود که (مستر کورتیو) در اظهارات اولیه کسر
۲۹ میلیون لیر و ایشان داده . و جا خالی این کسر از
طالبات لازم است . در ضمن همین اظهار (مستر کورتیو)
تحریک میکند که شورای بین الدول نوعی باید منعقد
شود که وقت لزوم بحث بر مسئله حمل طلا در ممالک
خارجه هم مانند

§ مخبر (روتر) از (بیسکن) خبر می دهد که
جنازه امپراطور (کومگسو) را با کمال احتشام برداشته
همبای جنازه (۶۰۰۰) هزاردار و (۵۰۰۰) سرباز

بودند. باشندگان خارجه را اجازت مشاهده جنازه داده شده بود ازین رو ظاهر می شود دوات چین خیالانش درباره اجانب ترقی نموده -

§ فرمان شاهی جاری و ۱۵ - ۱۴ آن نائب الساطنه را تمام اختیارات شاهی داده اند -

§ روزنامه (نوی میری رسی) ویاه می نویسد که که بموجب راپورتیکه در اسلامبول شاعت یافته نباشد دوات عثمانی مقیم (برلن) تنگترقا اطلاع داده که براس (بولو) به (برن و ون ابرشمال) حکم داده که با دوات عثمانی مبعولاً اتحاد باید چه خوف انقلاب و تبدیل در عوارضات و حادثات است -

§ دولت انگلیس رضا شده که امیرالبحری را برای نظم و ترتیب دسته جات چهارات عثمانی روانه نماید -

§ تلگرافی از (ملبورن) رسیده که مجلس شورای ملی قانونی را امضا داشته که هر چهار اصل چین را مخفیانه آورد (۹۰۰) لیرا جریمه خواهد داد -

§ مناقشه آلمان و فرانسه در مسئله (کاسا بلنکا) راجع به ناک شد -

§ دو سه روز است در خیالات دولت (آستریا)

تبدیلی معلوم می شود نتیجه مخبرات (برلن) است - اکنون (آستریا) با عثمانی آماده است بندوبست نماید -

و نیز در جواب دولت روس نوشته که با سایر دول اروپا درباره الحاق (بوسینیا و هرزیگووینیا) مغایر خواهد نمود -

§ در (رستبک) وزیر خارجه اظهار داشته که

ابنوقت از چین قشون آلمان را جدا نخواهد نمود چه خوف افشاش متصور است. ولی دولت آلمان خیال دارد قشون خود را در چین مخفی دهد -

حجت امام حجت

« لیهک من هلك عن بینة »

عقل چیز را گویند که بدان بد را از بیک و خوب را از قبیح بتوان شناخت، و طاقل کسی را شناسد که راه را از چاه بیاید، و زشت را از زیبا تمیز دهد، هواوه جالب ضم و دافع ضرر خویشتر گردد، و بدون هیچ قائده خود را بجایه بلا نیفکند، و در سیلکا، خطر ندارد، و نگرداب هلاک یپردازد، از حاده سلامت چون نشود و شاهراه دور اندیشی و عاقبت بینی را

فرو نگذارد، بقدر امکان و با اندازه مقدور مال را سپهر جان و هدف بلا کند، نه آنکه مال و چار و عیال و شرف را که نخستین منظور هرذی حس طاقل است فدای یکروزه ضرور و یکساعت لحاج و اندکی خود سری موقتی نماید، و عوض بدنامی ابدی و لعن دائمی گیرد، و از آساع چنگیز و فرود بشمار آید، چه مسلم است که هیچ کسی به قاصره و فراغه و دیگر ظلام و جیساره حسرت نبرده و غبطه نخورده ولی همواره همراهی مظلومان را آرزو کنند (یا لیتا کنا مکم) گویند.

جناحه درست نگریم و بخوبی ملاحظه کنیم می بینیم که هرذی حس طاقل نتیجه روزگار تلخ مالی از فراغت و ایام رفیج نمی از راحت خود را فقط همان تحصیل آبرو و شرف میدند و گرنه همان ضروریات اولیه سد حوائج و رفع احتیاجات وی را چون دیگر نوع حیوانات خواهد نمود، غذائی که سد سوع نماید ایسی که تن را پوشد مسکونی که در وی زیست و استراحت شود، پس تمام این زواید و فضولات معیشت از اینه طالبه و البسه فاخره باغ و بستان سرا و گلستان حشم و خادم خرز و دیبا برای چیست، و برای چه یک عمر ناراحتی و زحمت را فدای چند دقیقه راحت میباشد؟ البته اگر تحقیق بیسی جواب همان شرف و آبرو خواهد بود.

علی هذا بر هر کس که قدره حس شرف در سر دارد نظر بحسن فطرت و فرط بزرگ منشی که در کلیه احرار و عموم مجاهدین که همیشه عفو شایسته بر غضبشان مقدم بوده و بمنقضی سیر در کوجه سلامت و آرامی که از شمار آنان است محض انعام حجت و اداء فریضت بحکم (وما کانت علیهم حجة بیدالرسل) دولتیان و بیروان آنان را که از راه نادانی و جهالت بجاده ضلالت افتاده جانب ظلم گرفته و طرف حق را گذاشته اند اعلام میداریم، که هنوز زمان توبه و عفو باقی است هر کس در این دم آخرین نفس از بسین استبداد از جهال زشت و معاونت ظلام کناره جوید و چند روزگاری بی طرفی را پیشه خود سازد نه آنکه حامی عدل و عدالت شود از خدمت موقتی ریشه کن بنیاد بر انداز استغفا دهد و عزت گزیند

جان از نو خرید و شرفی تازه تحصیل کرده، والا هر کجا و هر نقطه باشد شربت مرگ نوشد، و در کردن خاطر سوار و در رخت خواب راحت از خدمت دولت معاف شود، صفحه تاریخ را شام زشت خود ملوث سازد، اطفال خویش را بچاره و عورات خود را آواره کند، ولی وقتی مینماید از جنگال فدائیان فیور ایران خلاصی جوید که امان نامه از انجمن ایالتی تبریز تحصیل نماید و همان نامه را سند آزادی و امنیت جان و مال و شرف خود شناسد و تا خود عهد نشکند عهدش شکسته نگردد

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم
تو حواء از سخن بند گویو خواه ملال

اخبار جنوب ایران بطریق اختصار

اصفهان

مردم از مظالم جاسوز حکام تنگ آمده و از مضایق پشماریکه هر روزه بر آنها وارد میکنند حسرت شده، چند روز قبل در صدد بودند که در قونسلخانه انگلیس سخن جویند، اخبار فتوحات تبریز هر روز به یک نوع هیجان و آشوب در میان مردم حادث میکنند، و حکومت حیران است که انتظام و امنیت را بچه وسیله فراهم آورد، چو در بعضی منتهی صحیح در کار است و به پول هنگفتی موجود میباشد که بتواند بطور موفق سوق عسکر کرده مردم را مخدول و منکوب سازد، تا امنی بواحی شهر از اعتدال گذشته و اندازه شدت یافته است که وجود امنیت بکلی معدوم و مردم از جان خود خائف گردیده ابداً حرمت ندارند عبور و مروری کرده یا امنه بخزند و بفروشند، چند روز قبل اعلام ابطال مشروطیت رسیده ولی جنایت مردم قائل نیستند و از مظالم جاریه حایه اندازه جان سیر شده اند که فقط جزئی حرکتی بری هیجان ملی کافی خواهد بود، غالب از تجمار واسطه ضرر های قاحتی که از اثر استبداد بر آنها وارد آمده بی چیز شده اند، و خوف آن میبود که در یا زود عده کثیری از ایشان ووشکت شوند، علماء این شهر خیلی در این محل حایه ساکت و صامت مانده گویا از سر کار استبداد هم لازمه مخوف و تهدید ایشان معمول گردیده و هم آنچه باید برای اسکان ایشان بدهند داده اند،

وگرنه جماعه تصور توان نمود که با آن احکام قاطعه حجج الاسلام این قدر رخاوت و سستی دامنگیر ایشان گردیده باشد، بتازگی از طرف رئیس للسنبدین يك حلقه انگشتری الماس بافتنظار ملك النجار اصفهان اعطاء گردیده، ظن غالب آنست که خیال دارند بان وسایل تجمار مملکت را سر و کپسه کرده از قشوق تبریز جلوگیری نمایند، لیکن هیات هیات امروز اگر گنجهای قارون بز بدست استبدادیان افتد باز برای فرو نشاندن حس ملیت کم و قاصر خواهد بود، ولی چه فایده که ایشان همه افکار خود را بر تخریب ملك و ملت بد بخت معروف و کلیه نوحه خود را بدین نکته معطوف داشته مضمم اند هر نوع که باشد مملکت را خراب و رعایا را بریشان سازند، پستهای دولتی هر روزه بسرقت میروند

شیراز

بسران قوام برایی تخریب و ترضیع اهالی لارستان هموماً و جناب حجة الاسلام حاجی سید عبد الحسین لاری خصوصاً حدی تمام و جهدی طالا کلام دارند، و از فرار مسموع جی کثیر از ایل عرب را بر سر یکی از مشایخ قراء قریب لار و سببه که معاون و مدد سید بوده فرستاده اند و جهات مذکوره شکست قاحتی خورده عده کثیری از ایشان معقول، و ز فرار مذکور عسکر خان هم دستگیر یا معقول گشته اند. بمران قوام بنا ترضی که ماتخص حکومت خصوصاً باصولت الدوله و دیگران دارند تجمار رغیرت را عسکر گردیده اند که بلوا کنند که مال النجاره ما سالم میروند و غالب سرقها کار فتنائیهاست، و حال آنکه مدنی است بواسطه سی و لوشش صولت الدوله هیچ سرقی از فتنائیهها بوقوع رسیده، تجمار هم اگر چه خوب دست آویزی داشتند، ولی چون مسلوب التیره هستند از این جهت فرار بود بسر کردگی آقا سید محمد پسر حاجی سید علی ابر قالی بلوا کنند و علاوه بگویند که ما میخواهیم عطاء الدوله بیگمیریکی شهر باشد، زیرا که تا وقتی این دوکس ریاست دارند اموالمان سلالاً بشهر میروند، در این بین گویا ریر جا بازی جناب آقا رسید و آنها از آسیا افتاده

(هر که شیخش این چنین کرده بود)

(کی مریدش را محبت ره بود)

از قراریکه میگویند جناب آقا سید حفر که سال گذشته در همین وقت وکیل مجلس شورا سپه ملی از جاب علماء شیراز بود بعد از آنکه خدمات صادقانه است بقوام کرده و بهمه شوکت و مکننت مایل شد و از هر مذلت و عسرت رهائی یافد بتاریکی محض تکمیل شرافت خود قبول مزارعی را که یکی از دهات شبانکاره و مسقط الرأس وی بوده از جاب دولت باو اعطاء گردیده و از طهران حرکت کرده باتفاق يك عدد شاهزاده خانمی که از طرف پارتی قوامیها رای ایشان تلخیص گردیده بود بشهر شیراز میآیند (خبر دهید عستان که میفروش آمد)

اداره حکومتی محدی مسلوب القوی و میویب آلات گردیده که در يك فرسخی شهر سرقتهای هنگفت شده یکصد و چهل قاطر را برد و ابدأ کسی نرسیده که چه خبر است ، طرق و شوارع چنان نا امن است که بارهای تجارت ابدأ آمد و شد ندارد و مسافری هم ترك عبور و مرور کرده اند

کازرون

بعد از جنگ و جدال حکومت ایچا با خواجه ابراهیم ملجری بقتل خواجه شد ، حالت اهالی خیلی تغییر کرد و چپاره مردم محدی مرعوب شده اند که ابدأ جرئت حرف زدن ندارند ، و کار عجائی کشیده که اگر يك ضرر ترك در خانه يك نفر تاجر هجوم آورده پولش بدزد و همرض و ناموش را برد بالمره در مقام دفاع برمیآیند و اذیت و آزار را بهر طوریکه هستند تحمل کرده و میکنند ، سعیدی نامی که بواسطه شرافتش حکومت ایچا او را گرفته بود تا بحال سه مرتبه خوب مستوفائی آورده و خیلی سرقتهای مشهوره را که در همرض نش سال قبل تا کنون بوضع رسیده بود بروز داده منزل خودش و يك از مسوالتش را کاوش کرده اشیاء مسروقه و افری پیدا کردند و محدی اموال مردم در آنجا موجود بود که باره اشیاء را بر زمین مدفون کرده بودند و حالا مشارالیه کجای السابق مهبوس است و گویا حکمی از ایالت فارس رسیده که او را کج بگیرند ، این شخص ظاهر الصلاح که کرکی

بصورت میش بوده لکلون بجزاه اعمال خود رسیده امیداست همه استبدادیان مانند این دزد بسزای کردار خود برسند در دنیا و عینی مخدول و منکرپ شده مصداق (خسر السیاء و الآخره ذلک هو الخسران للین) شود ، چند روز قبل جهل رأس الاغ باطل التجاره را بزبک (کارج) بسرقت برده اند و عبور هم بمجرده یک قافله عبور میکند گرفتار دزدان میشود و اذیت بکلی از راهها سلب گردیده در يك میلی شهر کازرون روز روشن آدم را برهنه میکنند ، این حرف شاید بنظر خوانندگان قدری غریب آید ، ولی (آبان که منکرند بگو رو برو کنند) نه در کازرون بلکه در خود شیراز که مقر ایالت است بمحلی آشوب و اغتشاش درکار است که ابدأ کسی املیت جای و مالی ندارد ، از قرار که کسی از شیراز نوشته بود روز روشن در بازار آدم را تحت میکنند ، چند روز قبل حکومت اعلام مردم کرده بود که حکم آمده عدلیه دایر کم و خصل دارم اقدام بنایم ، اما این بد بختان از این عوالم غیر هستند و مشروطه و استبداد را نمیفهمند و فقط از حیات دنیا خور و خوابی بهره برده اند

بوشهر

تجارت بوشهر و سایر نقاط ایران باطلی درجه نشیون و خراب گردیده و اغتشاش ایران که باعث همه نوع بلایا شده تا اداره کسب املیت سکوده که ابدأ اثری از تجارت درکار نیست ، چند روز قبل يك کاروان از شیراز ببوشهر میآمد و در چنادرک احمد خان انگالی آن را زده جهل رأس الاغ با محمولاتشان قات نموده الا غداران بعد از زحمت زیاد و همراتهای بیایان ارخان استدعی مرخصی الاغها کردند ، فرمود که باید بکهنزار تومان اطاعت کنند تا الاغها مرخص گردد پس ار هزار لیت و لعل مبلغ منور را بسپرد تومان تنزل دادند و جلو داران هم نامتال امر مطاعه ایشان وجه داده الاغهای خود را گرفتند ،

شیخ حسینحالی جاه کوتاهی هم که از سابق با احمد خان مشاخره داشت نام حملت قافله از محل خورد بیرون آمده و جنگی در گرفته بود ، بجنفر از طرف احمد خان و سه نفر از شیخ حسین مقتول و برادر شیخ مشارالیه مجروح شده ، اسامه بیچیک از خوانین مالکات